

گفت و گو با هادی مرزبان، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون

سال‌ها نزد مردم شازده «امیر کبیر» بودم

فاصله ادعا و عمل

احمد رضا علیزاده

این روزها برخی رسانه‌های مجازی و مکتوب، شمشیر را در نقد برنامه‌های تلویزیون از رو بسته‌اند و به قدری غیر حرفه‌ای به نقد و بررسی و انتخاب تیترهای منفی علیه برنامه‌های مختلف تلویزیونی می‌پردازند که هر مخاطبی می‌تواند براحتی به نیت اصلی این جریان‌های رسانه‌ای علیه مدیریت تلویزیون پی ببرد.

گفت‌وگو با افراد مختلف درباره موضوعات خبری و غیرخبری و انتخاب تیتر غیرمرتبط با اصل ماجرا در نقد رسانه ملی، حاشیه‌پردازی و حاشیه‌سازی‌های ژورنالیستی که به روزنامه‌نگاری زرد پهلوی می‌زند و گاه همسو شدن با رسانه‌های بیگانه در نقد تلویزیون، اگر از منطبق لازم برخوردار نباشد - که نیست - هیچ‌گاه توجیه‌پذیر نخواهد بود و هیچ مخاطبی را نمی‌تواند قانع کند که اصل جریان چیست و رسانه معترض قرار است مخاطب را به کدام سمت و سو راهنمایی کند.

بدیهی است نقد فنی و دارا بودن عیار علمی در مطالب و رویکردها، آن چیزی است که می‌تواند به ارتقای کیفیت برنامه‌سازی در رسانه ملی کمک کند، اما اگر غرض‌ورزی‌های شخصی یا سیاسی در این زمینه دخیل باشد، به ارزش و جایگاه نقد در ارتقای کارهای تلویزیونی لطمه وارد خواهد کرد و آن را به جریانی برای تشویش اذهان عمومی تبدیل خواهد کرد. بگذریم از این که این روزها، حضور بی‌رویه نویسنده و منتقد در رسانه‌ها، اصولاً جایگاه نقد تخصصی را به سمت اظهارنظرهای عادی و عاری از نگاه علمی و تحلیلی تقلیل داده و دیگر مثل گذشته‌ای نه چندان دور، بسیاری از امضاها برای خوانندگان رسانه‌های کاغذی و بازدیدکنندگان سایت‌های اینترنتی از شأن و جایگاه برخوردار نیست.

یکی از نکاتی که می‌توان از این جریان‌سازی‌های مغرضانه رسانه‌ای دریافت و نسبت به آن با بدبینی تمام نگریست، استفاده از متن برنامه‌های تلویزیونی بدون ذکر منبع آنهاست.

برخی رسانه‌های مدعی در فضای مجازی یا مکتوب، دائم از مشکلات موجود در تلویزیون می‌نویسند و در بسیاری از موارد دست به سیاه‌نمایی می‌زنند، اما آنگاه که به یک گفت‌وگوی جذاب تلویزیونی برمی‌خورند و به دلیل ارزش‌های خبری چاره‌ای جز پوشش آن ندارند، دست به رفتاری می‌زنند که خود صبح تا شب در مذمت آن نوشته‌اند و آن را در بوق و کرنا کرده‌اند. آنها در انعکاس چند صفحه‌ای یک گفت‌وگو در فلان برنامه تلویزیونی، با حذف منبع در جای جای متن پیاده شده و صرفاً با قید عبارت «در یک برنامه تلویزیونی عنوان شد...» تلاش می‌کنند میزان بغض خود را نسبت به معرفی تلاش‌های برنامه‌سازان سیما نشان دهند که البته این بیشتر به یک تلاش مذبوحانه می‌ماند، زیرا هم بسیاری از مردم، آن برنامه و گفت‌وگوی پخش شده در آن را دیده‌اند و هم در عصر گسترده اطلاع‌رسانی، اگر چند رسانه مغرض دست به سانسور منبع بزنند، از آنجا که دیگر رسانه‌ها در انعکاس مطلب منبع را ذکر کرده‌اند، این اقدام، فقط اعتبار رسانه مدعی اما سانسورگر را زیر سوال خواهد برد.

اما در خلال این فرآیند رسانه‌ای آنچه برای مردم، ناخودآگاه به ایجاد یک شفاف‌سازی انجامیده، نمایش فاصله بین ادعا و عمل برخی رسانه‌هاست؛ رسانه‌هایی که گاه رفتاری را پیش می‌گیرند که خود ادعای مخالفت با آن را دارند. تناقضی که امروزه، دست‌های دوستان مدعی را بیش از پیش نزد مردم رو کرده است.

آزاده زارعی / علاقه به بازی در نقش‌های متفاوت



آزاده زارعی بازیگر نقش باران در سریال پرمخاطب «آوای باران» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده که نقشش در این سریال مورد استقبال زیادی قرار گرفته است از پیشنهادهایی سخن گفت که هیچ کدام باب‌میل او نبوده و به همین دلیل حضور در آنها را نپذیرفته است. زارعی که با سریال آوای باران اولین کار تلویزیونی خود را تجربه کرده است، به نظر می‌رسد آن قدر در ایفای نقش باران از خود تبحر نشان داده که نگرانی زیادی نسبت به جدانشدن از این نقش نزد افکار عمومی دارد. او در تازه‌ترین گفت‌وگویی خود با اشاره به این موضوع گفته است: دوست دارم نقش‌هایی بازی کنم که با باران فرق دارند، اگرچه نقش‌هایی که به من پیشنهاد شده شبیه باران نبوده‌اند، ولی نقش‌هایی هم نبوده‌اند که باب میل و علاقه من باشند. زارعی که تا پیش از بازی در سریال «آوای باران» در چند پروژه سینمایی از جمله «آمین خواهیم گفت» به عنوان بازیگر و به عنوان دستیار کارگردان حضور داشته است، با تاکید بر این که صفحه‌ای در فیسبوک یا دیگر شبکه‌های اجتماعی ندارد، گفته: در خلال پخش و پس از پخش این سریال صفحه‌هایی به اسم من در فضای مجازی ساخته شده که هیچ‌کدام متعلق به من نیست. من هیچ صفحه‌ای را در فیسبوک مدیریت نمی‌کنم، ولی دوستان بسیاری گفته‌اند که عضو صفحه من در فضای مجازی شده‌اند.

هانیه توسلی / بازگشت با «سه ماهی»



بازگشت هانیه توسلی به تلویزیون او را به عنوان یکی از چهره‌های خبرساز هفته گذشته مطرح کرد. او که کار بازیگری را از بازی در مجموعه تلویزیونی «غریبه» ساخته جواد ارشاد در سال ۷۹ آغاز کرده بود، یکی از بازیگران پرکار این روزهای سینماست و بتازگی بازی او را در فیلم‌هایی همچون «به خاطر پونه» (در اکران سال ۹۲) و «مردن به وقت شهرپور» و «خط ویژه» (در اکران جشنواره سی و دوم فیلم فجر) دیده‌ایم. توسلی که سال گذشته سیمیرغ بهترین بازیگر زن نقش اول را برای فیلم تحسین

شده «دهلیز» به دست آورد، مدتی از تلویزیون دور بود، اما بزودی با فیلم تلویزیونی «سه ماهی» به کارگردانی حمیدرضا قربانی به تلویزیون بازمی‌گردد. «سه ماهی» داستان زنی به نام الهام است که مبتلا به عارضه مغزی است و او در پذیرفتن یا نپذیرفتن عمل جراحی مردد است. آخرین حضور هانیه توسلی در تلویزیون به سریال «شمس‌العماره» ساخته سامان مقدم برمی‌گردد که نقش آفرینی متفاوت او با استقبال جالب توجه مخاطبان تلویزیونی روبه‌رو شد. او قبل از آن هم در سریال «میوه ممنوعه» ساخته حسن فتحی و «وفاء» ساخته محمدحسین لطیفی بازی کرده بود. این بازیگر در مجموعه‌های تلویزیونی «قلب یخی» و «شاهگوش» که برای نمایش خانگی تولید شد نیز حضور داشته است.

شهرام قائدی / غم نان و گذران زندگی



شهرام قائدی که این روزها مشغول بازی در سریال «معمای شاه» است و بازی در فاز دوم سریال «سرمین کهن» را هم به پایان رسانده، درباره کم‌کاری یک‌ساله‌اش گفت: بعد از سریال «زمانه» چهار سریال را رد کردم که یا کارهای خوبی نبود یا آثار خوبی بود، اما نقش‌هایی که به من پیشنهاد می‌شد خوب نبود. الا ماشاءالله هم تله‌فیلم رد کردم، بویژه برای شبکه نمایش خانگی، چرا که بیشتر آنها توهین مستقیم به حساب می‌آمد. بازیگر سریال‌های «پنج کیلومتر تاب پشت» و «زمانه» و «بازی سرنوشت»، در ادامه گفته:

من و یکسری از دوستان بالا‌بلا دست به خطازدیم و بناچار وارد پروژه‌های سطحی شدیم، اما خدا را شکر تعداد این کارها نسبت به کارهایی که به آنها می‌نازیم یک به صد است. نمی‌شود انتظار داشت ما در رسانه‌ای کار کنیم که تمام کارهایش فاخر باشد و حالا از بین این تعداد مگر برای چند کار به ما زنگ می‌زنند؟ غم نان و گذران زندگی هم هست. او که بتازگی بازی در تله‌فیلم «لعنتی خنده‌دار» به کارگردانی بیژن شیرمرز را برای شبکه نمایش خانگی به پایان رسانده درباره بازی در نقش سیا در این سریال گفته: تب پول، زندگی مرفه و بهتر زیستن همیشه در همه جای دنیا وجود دارد و در مملکت ما هم هست. این تب برای برخی که طعم آن را نچشیده‌اند و آرزویش را دارند به تشنج تبدیل می‌شود. من فکر می‌کنم سیا جزو این دسته است و می‌خواهد به هر دری بزند تا پولدار شود و بتواند زندگی خود را مرتب کند.

فاطمه گودرزی / ویژگی‌های بازی در سریال طنز



فاطمه گودرزی که بیشتر در نقش‌های جدی بازی کرده است، در سریال طنز نوروزی «ها فرشته نیستیم» به کارگردانی فلورا سام حضور دارد. او که برای اولین بار در سریالی نوروزی بازی می‌کند درباره حضور در نقش طنز گفته: من پیش از این هم در کارهای طنز بازی داشته‌ام و با این حوزه ناآشنا نیستم، اما بازیگری که بیشتر طنز بازی می‌کند دیگر به کارهای جدی دعوت نمی‌شود، بنابراین شاید به این دلیل در کارهای جدی بیشتر دیده شده‌ام.

بازیگر سریال‌هایی چون «فاصله‌ها»، «ترانه مادری» و «دردسر والدین»، درباره بازی در سریال «ها فرشته نیستیم» گفته: این سریال، طنز و مفرح است، ولی من هیچ‌گاه دنبال این نبوده‌ام که در چه کاری و برای چه مناسبتی بازی می‌کنم، برعکس به دنبال فیلمنامه‌های خوب بوده‌ام. همیشه از کارهای مناسبتی فرار کرده‌ام، چون این سریال‌ها به پروژه‌هایی پرشتاب تبدیل شده است. هم‌اکنون سرعت کار به شیوه‌ای شده که من ترجیح می‌دهم بیشتر تله‌فیلم کار کنم، اما این سریال را به دلیل فضای شاد و مفرحی که دارد و همچنین فیلمنامه آن پذیرفتم. نکته جالب این که فاطمه گودرزی نیز از جمله بازیگرانی است که کار بازیگری را از تلویزیون و با ایفای نقش در سریال «گالش‌های مادر بزرگ» ساخته بهمن زرین‌پور در سال ۶۷ آغاز کرد.

گلاره عباسی / عادت به شنیدن بازخوردهای مردمی



گلاره عباسی، بازیگر سینما و تلویزیون که فیلم «روزهای آخر اسفند» به کارگردانی بهروز شعبی را برای نوروز در تلویزیون و فیلم «اشیا از آنچه فکر می‌کنید به شما نزدیک‌ترند»، ساخته نرگس آبیار را نیز از شبکه یک آماده نمایش دارد، درباره این که سال گذشته سال خوبی برای بازیگران تلویزیونی نبوده است، گفته: وقتی تعداد کارها زیاد باشد شما حق انتخاب زیادی دارید و من فکر می‌کنم در یک سال و نیم گذشته ما با کمبود فیلمنامه‌های تلویزیونی روبه‌رو بودیم. بازیگر «روای

گنجشک‌ها»، «نون و ریجون» و «در چشم باد» با بیان این که واکنش‌ها درباره بازی در یک فیلم را از طریق مردم می‌گیرد، بیان کرده: تلویزیون ظرفیت‌های زیادی دارد و اصلاً مدیوم اصلی خود من تلویزیون است. من تلویزیون را واقعاً دوست دارم و اصلاً از تلویزیون هم شروع به کار کردم. عباسی که امسال با فیلم «شیار ۱۴۳» در جشنواره فیلم فجر حضور داشته است، گفته: هم‌اکنون وقتی بعضی از من می‌پرسند که «شیار ۱۴۳» چگونه فیلمی بود، من چندان نمی‌توانم اظهار نظر کنم، چون عادت دارم کارم را با مردم در تلویزیون ببینم و بازخوردهای مردمی را بشنوم. من همیشه عادت داشته‌ام که واکنش‌های مردم را بشنوم و این اتفاق بسیار مهمی است و اصلاً دوست دارم حتی فیلم خودم را هم در سینماهای مردمی ببینم.

سینا حجازی / خواندن تیتراژ ویتامین ۳



پس از تیتراژ سریال‌های «مسافرخانه سعادت» و «مسیر انحرافی» سینا حجازی برای سومین بار با خواندن تیتراژ برنامه صبحگاهی «ویتامین ۳» به تلویزیون آمد. در هفته اخیر برنامه صبحگاهی «ویتامین ۳» از تیتراژ جدید خود با صدای سینا حجازی رونمایی کرد؛ ترانه‌ای که فضایی سرشار از انرژی را به مخاطب منتقل می‌کند. حجازی علاوه بر خواندن این ترانه با نام «یعنی صبح شده» کار نوشتن متن، آهنگسازی و تنظیم آن را نیز برعهده داشته و میکس

آن را امیر جمال فرد انجام داده است. این در حالی است که اولین آلبوم رسمی حجازی نیز در حال سپری کردن مراحل اداری اخذ مجوز است. او پیش از این ۳۰ تک‌آهنگ از جمله ترانه تیتراژ سریال‌های «مسافرخانه سعادت» و «مسیر انحرافی» را اجرا کرده است. همچنین ترانه «دیدنی داری» او در تیتراژ آغازین فیلم سینمایی «خط ویژه» به کارگردانی مصطفی کیایی مورد استفاده قرار گرفته که امسال در سی و دومین جشنواره فیلم فجر روی پرده رفت و با استقبال بالایی مردم و اهالی رسانه روبه‌رو شد. پیش از حجازی، پیام صالحی تیتراژ برنامه «ویتامین ۳» شبکه سوم سیما را خوانده بود.

گام‌های محکم سینمایی

«لامپ صد» سعید آقاخانی، گرچه کمتر دیده شد، اما نظر مثبت منتقدان سینمایی را به همراه داشت

میثم اعلایی



بسیاری از چهره‌های مشهور سینمای امروز، کار خود را از تلویزیون آغاز کرده‌اند و فعالیت در رسانه ملی، همچون کورهای برای آبدیده شدن آنها بوده است. اصغر فرهادی از شاخص‌ترین این فیلمسازان است که کارش را از تلویزیون شروع کرد و بعدها توانست سینمای ایران را به اسکار برساند، اما امسال هم می‌توان ردپای دستاوردهای تلویزیون را در جشنواره فیلم فجر مشاهده کرد.

«لامپ صد» نخستین ساخته بلند سینمایی سعید آقاخانی در سی و دومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و گرچه خیلی سرزبان‌ها نیفتاد و به دلیل تراکم برنامه‌های جشنواره در سینمای رسانه‌های جمعی کمتر دیده شد، اما بعد از پایان جشنواره از سوی منتقدان و نویسندگان سینمایی به عنوان یک اثر موفق مورد ارزیابی قرار گرفت.

در واقع، آقاخانی هم مثل عطاران که با فیلم اول خود (خواب می‌آد) رویکردی متفاوت از کارهای تلویزیونی خودش را ارائه داده بود، در «لامپ صد» سراغ مضمونی رفت که در هیچ کدام از سریال‌های تلویزیونی‌اش به عنوان نویسنده یا کارگردان تجربه نکرده بود و ساختاری را برای بیان این مضمون انتخاب کرد که به سینما نزدیک‌تر بود. نکته جالب این که گروهی از منتقدان و روزنامه‌نگاران در جشنواره امسال فیلم «لامپ صد» را دیده یا ندیده، «تله‌فیلم» دانستند و عده‌ای دیگر، این نگاه را غلط ارزیابی کردند و گفتند که فیلم آقاخانی ساختاری سینمایی دارد و به حال و هوای آثار دیوید لینچ نزدیک است.

سعید آقاخانی در نخستین فیلم بلند سینمایی

خود بدون رویکرد همیشگی‌اش به طنزپردازی صرف تلاش کرده قصه‌ای جمع و جور را با بیان متناسب با سینما روایت کند. او قصه یک معتاد را روایت می‌کند که به شیشه وابسته است و تلاشی مذبحانه برای ترک آن دارد. وی دنیای ذهنی او را با تصویر نامطلوب از توهم‌زایی و تحقیرش در جامعه به تصویر کشیده است.

آقاخانی توانسته با یک انتخاب درست، یک بازی متفاوت از محسن تنابنده در این نقش خاص بگیرد. تنابنده در لامپ صد بیش از همه فیلم‌هایی که در سال‌های گذشته برایشان سیم‌گرفته بود، تلاش کرده و به نظر می‌رسد یکی از بازیگرانی است که نقش آفرینی‌اش در جشنواره سی و دوم نادیده گرفته شد.

البته مهارت آقاخانی فقط به بازی گرفتن از بازیگران فیلمش محدود نمی‌شود. او در دکوپاژ،

انتخاب زوایای دوربین، میزانشن‌های سنجیده و فضاسازی لامپ صد، توان جالب توجهی از خود به‌عنوان یک کارگردان سینما نشان داده و ایده‌هایش ناب و منحصر به فرد است (دقت کنید به ایده دود درون لامپ‌ها).

لامپ صد گرچه در بخش سودای سیم‌گرفته دوره از جشنواره فیلم فجر نبود و در بخش نگاه نو نیز در کمال تعجب به جمع نامزدها راه نیافت، اما فیلمی است که باید قدرش را دانست و می‌توان آن را یک گام موفق و بلند در کارنامه سعید آقاخانی قلمداد کرد.

فیلمی که خلاقیت‌های متن و کارگردانی آن با یک سلیقه سینمایی مناسب، ترکیب شده و می‌توان آن را حاصل تجربه‌های مفید قصه‌گویی آقاخانی در کارهای تلویزیونی‌اش و شناخت او از رسانه سینما دانست؛ فیلمی که باید بیش از این دیده شود و به چشم‌بیاید.

نعمت‌اله و مقدم‌دوست از این کلیشه‌ها استفاده بجایی کرده‌اند و در کنار آن رگه‌هایی از خلاقیت را نیز در خلق آن به کار گرفته‌اند. برای مثال به رفتار متکبرانه او در اتاق مدرسه با خانواده راننده مینی بوس نگاه کنید که تا چه اندازه از کلیشه‌ها بهره گرفته و در نقطه مقابل به نگرانی‌های زیر جلدی‌اش در خصوص خواهرش محترم توجه کنید. بهزاد نیز چنین وضعی دارد و کلیشه مرد زن ذلیل به بهترین و طبیعی‌ترین شکل ممکن بدون آن که به ورطه اغراق بیفتد، در شخصیت او به کار گرفته شده است. ریزه‌کاری‌های بسیاری در خلق این شخصیت به چشم می‌خورد که برای مثال می‌توان به مرتب بودن ظاهر او در هر شرایط اشاره کرد که خود این موضوع به سوز و بامزای برای بگو مگوی او با بهروز شده است. حمید نعمت‌اله در انتخاب بازیگران پر شمار کارش نیز عالی عمل کرده و آنها را کاملاً مطابق با نقش‌ها برگزیده است. در این میان افسانه‌هایگان در نقش محترم و علی سلیمانی در نقش بهزاد بسیار بهتر ظاهر شده و خصوصیات نقش را کاملاً درک کرده و به نمایش گذاشته‌اند. البته نباید از بازی‌های غافلگیرکننده بازیگر نقش امیر و افسانه چهره‌آزاد در نقش عروس خانواده بسادگی گذشت که غنای بیشتری به کار بازیگران وضعیت سفید بخشیده‌اند. نعمت‌اله که کارنامه سینمایی درخشانی هم دارد در نخستین مجموعه تلویزیونی‌اش به سراغ پروژه بلندپروازانه‌ای رفته که جزئیات در آن حرف اول را می‌زند. در این رابطه او فوق‌العاده عمل کرده و حواسش به ریزترین اجزای کار هم بوده است. برای مثال کافی است به عنوان‌بندی درخشان مجموعه با عناصر خاطره‌انگیزش توجه کنید تا در بایید چه زحمتی برای خلق فضای دهه ۱۳۶۰ ایران در حال جنگ کشیده شده است. همین طور میزانشن‌های حساب‌شده هر سکانس که هر گوشه از آن را شخصیتی پر کرده و مشغول انجام کاری است و از این لحاظ نمونه یگانه‌ای میان مجموعه‌های تلویزیونی است.



نامتجانس است تا از این طریق درام پیش برود و از ریتم نیفتد.

حالا در چنین مجموعه‌ای با این حجم از شخصیت، نیاز به شخصیت‌پردازی درست و اصولی دوچندان شده و بیش از دیگر ساخته‌های تلویزیونی احساس می‌شود. در قسمت اول و دوم که به معرفی شخصیت‌ها اختصاص دارد، این کار بخوبی صورت می‌گیرد و خصوصیات هریک به اختصار به تصویر در می‌آید بی‌آن که شخصیت‌ها به پرگویی متوسل شوند. احترام به عنوان خواهر بزرگ‌تر که به لحاظ مالی نسبت به بقیه از وضع بسیار بهتری برخوردار است، دارای خصوصیتی کاملاً تپیک است و نزدیکی بسیاری به نمونه‌های مشابه پیش از خود دارد، با این تفاوت که

روایتی ظریف از تهران دوره جنگ

محمد جلیوند

مجموعه‌های تلویزیونی در پرداختن به زوایای گوناگون جنگ تحمیلی همیشه سراغ کلیشه‌ها رفته و اغلب گونه‌مولودرام را برای روایت ماجرای مربوط برمی‌گزینند، اما مجموعه «وضعیت سفید» ساخته حمید نعمت‌اله که این روزها شاهد بازپخش آن از شبکه آی‌فیلم هستیم، یک استثناست تمام‌عیار میان مجموعه‌های اینچنینی است.

وضعیت سفید به روزهای پایانی جنگ که با موشک‌باران تهران همراه بود، پرداخته و تأثیر آن را روی اجتماعی کوچک به نمایش گذاشته است. نعمت‌اله و مقدم‌دوست در مقام نویسندگان فیلمنامه در گام نخست، قصه خود را خوب و روان آغاز کرده‌اند و با کمترین لکت آن را پیش می‌برند؛ سفر مادر یک خانواده شلوغ و پرجمعیت به تهران و سر زدن به تک‌تک آنها که وی را با مشکلات بسیار روبه‌رو می‌کند. این ایده ساده و یک خطی که پیش از این بارها به تصویر کشیده شده در دستان فیلمنامه‌نویسان وضعیت سفید به شکلی کاملاً طبیعی و غیرکلیشه‌ای درآمده است. موشک‌باران تهران در اواخر سال ۱۳۶۶ که هنوز خاطرات تلخ آن را چند نسل به خاطر دارند، شخصیت محوری ماجراست که آدم‌های داستان را به یکدیگر نزدیک و داستانتان‌های فرعی را به آن وصل می‌کند. خانواده شلوغ و پرجمعیت گلکار به عنوان نمادی از جامعه، همه جور شخصیتی را در خود دارد، از بهروز پسر کوچک خانواده که هنوز در عوالم اوایل دهه ۵۰ است تا بیژن کاسب‌مسلك و بهزاد کارمند و داماد مذهبی و اهل جبهه. موشک‌باران تهران توسط عراق بهانه مناسبی برای گردهم آمدن این جماعت

یک نسل تلویزیون

رکسانا قهقرایی

مینا روبه‌روی تلویزیون نشسته است. کاسه‌ای بلورین به دست دارد و انار دانه می‌کند. دست‌اناش قرمز رنگ شده و به قاب جادویی خیره شده است. صدف دختر پنج ساله او نیز روی میبل مشغول مرتب کردن لباس عروسک‌هایش است. با نظم خاصی آنها را کنار هم می‌چیند و نوازششان می‌کند. صدف، دختر شیرین‌زبانی است. به کلاس نقاشی می‌رود و سعی می‌کند در کارهای خانه به مادرش کمک کند. او با وجود سن کمی که دارد کار کردن با رایانه را بخوبی بلد است و اولین فایل‌ها که هنگام روشن کردن آن به سراغش می‌رود، بازی‌هاست. گاهی روبه‌روی مانیتور می‌نشیند.

به نظر مینا، دختران همدم مادرهایشان هستند و او همیشه خدا را بابت داشتن دختری مثل صدف شکر می‌کند. مینا نگران آینده فرزند خود است و همیشه به تربیت او و این که چه سرنوشتی دارد، فکر می‌کند. صدف همچنان روبه‌روی تلویزیون مشغول بازی کردن با عروسک‌هایش است. با دقت و وسواس لباس‌هایشان را مرتب می‌کند. کاسه آبی کنار دست خود قرار داده و دست‌هایشان را می‌شوید. همین طور موهای عروسکش را شانه می‌زند. مینا غرق در همین افکار است که صدای زنگ در به گوش می‌رسد. خانه‌شان آپارتمانی نیست و مسیر طی کردن تادر حیاط کمی طول می‌کشد. از جا می‌پرد. چادرش را سر می‌کند و از پله‌های ایوان پایین می‌رود. هوا ابری است و غروب دلگیری بر خورشید تحمیل می‌شود. نجف، پدر صدف از راه می‌رسد. کودک پنج ساله خود را در آغوش می‌کشد و هدیه‌ای برایش دارد. یک عروسک زیبای دیگر. کلکسیون عروسک‌های صدف کامل می‌شود. تلویزیون روشن است و ساعت به ۱۹ نزدیک می‌شود.

وقت اخبار است، اما شبکه‌ای دیگر برنامه کودک دارد. پدر از حق خود به نفع صدف می‌گذرد، اما صدف درگیر بازی‌های کودکانه خود است. سرگرم تجربه شبیه شدن به بزرگسالان. مادر با

یک لیوان چای از نجف پذیرایی می‌کند. یکی از برنامه‌های کودک قدیمی از تلویزیون بازپخش می‌شود. کارتون محبوب «فوتبالیست‌ها» و قصه شوت‌هایی که یک قسمت طول می‌کشید تا به دروازه برسد. پدر با دیدن کارتون ذوق زده می‌شود. از خاطره‌هایش می‌گوید و تمام نگاهش جلب صدف کوچولوست. او جای عروسک‌هایش را با هم عوض می‌کند. هر کدامشان اسمی دارند، زیبا، دسته گل و نازلی... عروسک جدید را نمی‌داند چه بنامد. بی‌مقدمه از مادرش می‌پرسد: به نظرت اسمش رو چی بذاریم؟ مادر شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و می‌گوید: هایدی. به گمانم خاطره‌گویی‌های نجف او را به دنیای بچگی‌هایش برده است. نسلی که شناختن آنها از طریق اسم کارتون‌ها و برنامه‌های تلویزیونی راحت‌تر صورت می‌گیرد. صدف پنج ساله، اما هیچ ذهنیتی از این اسم ندارد. ابروهایش در هم می‌رود و می‌گوید: نه مار گارت بهتر است. دیروز دوستم روشک سر کلاس نقاشی گفت. آره همین خوبه! تلویزیون روشن است. پدر به این مکالمه توجه‌ای ندارد و فوتبالیست‌ها می‌بیند. مادر دعا می‌کند کاشکی برنامه بعدی شروع نشود. آنها از پل زدن به گذشته خرسندند.

کار خوب فراموش شده است. مهمان امروز بخش با مسئولین، از شرکت پست جمهوری اسلامی ایران است. از شما دعوت می‌کنم ببیند این بخش باشید. قاسمی گودرزی با مهمان برنامه گفت‌وگو می‌کند. سپس گزارش رویش که به فعالیت‌های کمیته امداد امام خمینی اختصاص دارد، پخش می‌شود. در این فاصله با مازیار قاسمی گودرزی که ۱۸ سال است در صدا و سیما فعالیت دارد صحبت می‌کنم. او می‌گوید: در بخش با مسئولین از زوایای مختلف به یک موضوع نگاه می‌کنیم و در مقطعی نگاه ما تحلیلی و گاهی چالشی است. هدف ما اخذ پاسخ و طرح مطالبات مردمی است. اما مشکلی که در اجرای برنامه داریم این است که مسئولان در جواب دادن طفره می‌روند و برخی دیگر می‌آیند اینجا تا حرف‌های خودشان را بیان کنند در صورتی که اینجا مکانی برای سخنرانی نیست. وقتی وارد سوالات جزئی می‌شویم کار سخت‌تر می‌شود، زیرا عده‌ای نسبت به مسئولیت خود در امور جزئی آگاهی کامل ندارند. رسالت ما شفاف‌سازی است و هیچ کسی را محاکمه نمی‌کنیم.

پلی‌بک پخش می‌شود. سپس مهسا ملک مرزبان در بخش احوال شما با دکتر ساناز دویان در مورد بیماری‌های ستون فقرات صحبت می‌کند. در ابتدای بحث اعلام می‌شود به دلیل اشکالی که در میکروفن صدای مهمان است یک میان برنامه پخش می‌شود و سریع میکروفن عوض شد.

مناظره فوتبال و موسیقی

در گوشه‌ای از استودیو چهره‌ای آشنا نظرم را جلب می‌کند. نزدیک می‌روم. درست دیده‌ام. امیر تاجیک با پوریا تابان در حال صحبت است. تابان به من می‌گوید: امیر عزیز، مهمان بخش پایانی برنامه است؛ شخصی که بی‌ریا در برنامه‌های مختلف حضور پیدا می‌کند. از تاجیک دلیل این حضور را می‌پرسم. او می‌گوید: امروز به برنامه روز از نو آمده‌ام تا دقایقی با مخاطبان برنامه هم‌کلام شوم و برای آنها کارهایی اجرا کنم، چرا که نسبت به مردم تعهد دارم. من از طریق صدا و سیما و در واقع با سریال «زیر آسمان شهر» به جامعه معرفی شدم و این سریال شناسنامه کاری من است. تلویزیون، رسانه‌های تصویری است که در قالب آن اتفاقات مختلف هنری، ورزشی، خبری و ... به تصویر کشیده می‌شود و به نظرم تلویزیون، به قسمتی از زندگی مردم و جزو جانشینی زندگی آنها بدل شده است.

از تاجیک می‌پرسم شما برای جام جهانی ۲۰۰۶ فوتبال یک کار اجرا کرده بودید. آیا برای جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل کاری در دست ساخت دارید؟ می‌گوید: فدراسیون فوتبال به دنبال صدایی حماسی بود، کسی که مراحل آمون و خطا را پشت سر گذاشته باشد. این دوستان نسبت به من لطف دارند و با من صحبت شده تا این کار را انجام دهم و کار پس از جلسه نهایی و تصویب شعر، تا قبل از شروع جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل ساخته خواهد شد. او در ادامه نظرش را درباره تیم ملی فوتبال می‌گوید و امید دارد این تیم یکدست شود و بازی‌های خوبی در برزیل انجام دهد. پوریا تابان در این زمان می‌گوید: همه تیم‌هایی که به جام جهانی راه یافته‌اند حرف‌هایی برای گفتن دارند و نباید انتظارات مردم را بالا ببریم. جام جهانی جایگاهی برای حضور ایران در فوتبال دنیاست و جایی است که بازیکنان ایرانی به فوتبال جهان معرفی می‌شوند. تیم ملی جایگاه بازیکنان با ارزش است و باید تعصبات را کنار گذاشت. در این زمان ریتم صحبت‌های پوریا تابان خیلی سریع می‌شود. دلیلش را می‌پرسم که می‌گوید: حدود دو دقیقه دیگر امیر تاجیک باید وارد استودیو بشود. تابان رو به تاجیک می‌گوید: شانس قهرمانی برزیل و آرژانتین از دیگر تیم‌های حاضر در جام جهانی بیشتر است. امیر تاجیک می‌گوید: آلمان را هم نباید دست‌کم گرفت گاهی کارهایی رو می‌کند که دیگران غافلگیر می‌شوند. تابان با خنده می‌گوید: امیر حدود یک دقیقه دیگر باید به استودیو بروی. آن دو همین جاز من خداحافظی می‌کنند. بخش پایانی برنامه روز از نو، با ترانه‌های امیر تاجیک روی آنتن می‌رود تا روزی بعد و روز از نوبی دوباره.



گزارش پشت صحنه سری جدید برنامه صبحگاهی شبکه دو سیما

وقتی روز از نو جذاب‌تر می‌شود



شبکه دو خالی است.

پوریا تابان معتقد است شبکه دو خانه اوست، هر چند قدری از شبکه دو دلگیر هم باشد. او در مورد بخش ورزشی می‌گوید: در ایستگاه ورزش نگاه حرفه‌ای به مباحث مختلف ورزشی و مباحث روز داریم. بیشتر به تحلیل و پیگیری مسائل می‌پردازیم. ایستگاه ورزش را روزهای شنبه و چهارشنبه اجرا می‌کنم. در ضمن مریم رستمی روزهای یکشنبه بخش ورزش بانوان را اجرا می‌کند. از تابان می‌پرسم خودش به چه رشته ورزشی علاقه دارد که می‌گوید: در مقطع جوانان فوتبال حرفه‌ای بازی می‌کردم. دوچرخه‌سواری را نیز حرفه‌ای‌تر دنبال کردم. در مورد سری جدید برنامه معتقد است ریتم برنامه نسبت به گذشته تندتر شده و هر روز یک روز نوست که آغاز می‌شود، پس هیچ‌گاه نباید ناامید شد. در برنامه هم سعی می‌کنم نوعی عشق و انرژی به مردم هدیه بدهم.

پلی‌بک پخش می‌شود. مهسا ملک مرزبان می‌گوید: آرزو دستی پنهان است که مدام پیراهن زندگی را وصله می‌زند. ما آدم‌ها با آمال و آرزوهایمان زنده هستیم و همیشه به بهترین‌ها متوسل می‌شویم. ما ایرانیان به آقا امام رضا متوسل می‌شویم. هم اکنون فرصتی داریم تا سلامی خدمت این امام همام عرض کنیم. با دل به زیارت می‌رویم.

طرح مطالبات مردم از مسئولان

مازیار قاسمی گودرزی و مهمان برنامه آماده هستند تا بخش با مسئولین ارائه شود. ملک مرزبان در این قسمت از برنامه می‌گوید: تا چند سال پیش وقتی بوی عید و نوروز می‌آمد یکی از کارهای مهم و دل‌مشغولی همه خرید کارت تبریک و نوشتن جملات زیبای نوروزی روی آنها بود تا برای عزیزانمان از طریق پست ارسال کنیم، اما چند سالی است با آمدن فناوری جدید این

که دارد نمی‌تواند مدت زیادی ثابت بنشیند. با حرکت دست مینو اسدی، مدیر صحنه پوریا تابان می‌گوید: سلام صبح شما بخیر. با یک دنیا خبرهای ورزشی در خدمت شما عزیزان هستیم. در ادامه تابان می‌گوید گزارش پخش می‌شود، بلافاصله تصحیح می‌کند گفت‌وگوی تلفنی داریم. تابان با مهمان تلفنی صحبت می‌کند، اما تهیه‌کننده و دیگر عوامل برنامه در رژی بحث و گفت‌وگو می‌کنند که چرا چنین اشتباهی رخ داد.

در این زمان با مهسا ملک مرزبان صحبت می‌کنم. او می‌گوید: کارم را از سال ۸۰ در تلویزیون شروع کردم. علاقه‌مند به اجرای برنامه در حوزه ادبی، هنری و اجتماعی هستم. همیشه از شب قبل به اجرای برنامه روز بعد فکر می‌کنم چون دوست دارم به بیننده علائم و نشانه‌هایی بدهم تا او پس از اتمام برنامه آنها را دنبال کند. ملک مرزبان روزهای یکشنبه و چهارشنبه مجری اصلی برنامه است. سه روز دیگر امید زندگانی برنامه را اجرا می‌کند.

هم اکنون گزارشی از مکان‌های ورزشی در حال پخش است. نکته جالب این که گزارشگر برنامه کارت زرد گرفت؛ زیرا در زمان گزارش بازی هم می‌کرد و خطا انجام داد.

به مخاطب انرژی می‌دهیم

پوریا تابان، مجری بخش ورزشی روز از نو سال ۷۶ کار خود را با روزنامه‌نگاری در حوزه ورزشی و سینمایی شروع کرد و سال ۸۳ وارد رادیو شد. به گفته خودش سال ۸۶ برنامه دورخیز را با زنده‌یاد نیما نیاوندیان اجرا می‌کرده، همچنین برنامه ورزش از نگاه ۲ را نیز با نیما اجرا کرده است. پوریا به نیکی از آن دوران یاد می‌کند و می‌گوید: جای نیما نیاوندیان خیلی در



سیما پویا

ساعت ۷ بامداد آخرین چهارشنبه بهمن ماه برای تهیه گزارش از سری دوازدهم برنامه «روز از نو» به شبکه دو می‌روم. حدود ۴۵ روز است تیم برنامه‌ساز برنامه روز از نو تغییر کرده و در همین مدت شاهد تغییراتی در محتوای برنامه هستیم.

پیش از شروع برنامه اصغر شریف کاظمی، تهیه‌کننده برنامه روز از نو توضیح مختصری درباره بخش‌های جدید برنامه می‌دهد: صبح و دیجیتال، تحلیل علمی - که فناوری‌های جدید را معرفی می‌کند و این که چطور از تحلیل انسان به علم رسیده - محصولات سالم غذایی و گیاهان آپارتمانی، فرزند من - که دربرگیرنده بحث‌های تربیتی و آموزشی است - احوال شما، با مسئولان و ورزش بخش‌هایی هستند که روزهای مختلف هفته از شنبه تا چهارشنبه صبح‌ها ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه به مدت ۱۱۰ دقیقه به صورت زنده از برنامه روز از نو شبکه دو سیما پخش می‌شود.

از تهیه‌کننده می‌پرسم با توجه به این که روزهای پنجشنبه اعضای خانواده کنار هم هستند، چرا برنامه پخش نمی‌شود در پاسخ می‌گوید: به خاطر کمبود بودجه است.

شریف کاظمی خاطر نشان می‌کند سامانه پیامکی ۳۰۰۰۲۰۲ آماده دریافت نظرات و پیشنهادهای بینندگان برنامه روز از نوست، زیرا هدف ما ارائه برنامه مناسبی بر اساس نیازهای مخاطبان شبکه دو است.

خدایا به امید تو

حدود پنج دقیقه تا شروع برنامه زمان داریم. تهیه‌کننده برنامه با کارگردان و دستیاران خود صحبت می‌کند. در همین زمان منشی صحنه اعلام می‌کند ۳۰ ثانیه دیگر تیتراژ پخش می‌شود. سپس مهسا ملک مرزبان، چهره آشنای برنامه‌های مختلف تلویزیونی با خواندن جملاتی مانند این که اگر آفتاب نیستی ستاره باش با سلام و صبح بخیر برنامه را آغاز می‌کند.

ملک مرزبان در ادامه می‌گوید: خوشحالیم که شما بیننده برنامه هستید. خدایا با امید به تو روز را آغاز می‌کنیم. بعد از این سلام و احوالپرسی میان برنامه تصویری پخش می‌شود تا بخش ورزشی امروز ارائه شود.

مجری این قسمت پوریا تابان است. او می‌گوید: اول ایستاده برنامه اجرا می‌کنیم بعد می‌نشینیم.

یکی از تصویربرداران می‌گوید: پوریا با این انرژی‌ای

گفت و گو با هادی مرزبان، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون

سال‌ها نزد مردم شازده «امیر کبیر» بودم

آزاده صالحی



هادی مرزبان، بازیگر و کارگردان، فارغ‌التحصیل رشته بازیگری و کارگردانی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. این هنرمند از سال ۱۳۴۵ به شکل رسمی وارد عرصه تئاتر شد و فعالیت خود را در سینما از دهه ۶۰ آغاز کرد. مرزبان صرف نظر از بازی و کارگردانی در عرصه تئاتر و فعالیت در سینما، در سریال‌هایی چون شاه شکار، امیر کبیر و وزیر مختار (سعید نیکپور)، ما می‌توانیم (مجتبی یاسینی)، مرغ حق (حسین مختاری)، روشن تر از خاموشی و پهلوانان نمی‌میرند (ساخته حسن فتحی)، تئاترترین سردار (مهدی فخیم‌زاده) و... نیز حضور داشته است. آنچه در پی می‌آید حاصل گفت‌وگوی ما با این بازیگر پیشکسوت درباره خاطرات و فعالیت‌های وی در تلویزیون است.

ولی در همان سال‌ها، نامه‌های زیادی از برخی استان‌های کشور دریافت کردم که نوشته بودند ما از شما انتظار داریم در این کارها بازی نکنید. می‌خواهم بگویم بازیگر همیشه به واسطه فعالیت هنریش در معرض قضاوت و دید مردم است و باید خیلی مراقب باشد در چه کاری حضور پیدا می‌کند. مردم ما باشعورترین و فهمیده‌ترین مخاطبان هستند و قطعاً باید به سلیقه و نظر آنها احترام گذاشت. دست کم من همیشه این طور بوده‌ام. روی این اصل معتقدم باید خوراک خوب به این مخاطبان داده شود تا آنها از پای تلویزیون راضی بلند شوند.

راهکاری که در این زمینه ارائه می‌کنید، چیست؟
تلویزیون بر ارتقای فرهنگ مردم تأثیر زیادی دارد و این حرکت باید از رسانه‌های مثل تلویزیون شروع شود. باید ساخت سریال‌های فاخر تلویزیونی جدی گرفته شود، زیرا جای چنین سریال‌هایی در تلویزیون به معنی واقعی، خالی است. هم اکنون ما در شرایط حساسی قرار داریم، زیرا با تهاجم رسانه‌های آن سوی آب مواجه هستیم و اگر خوراک خوب به مخاطب ارائه نشود او به سراغ سریال‌های سطح پایین و مملو از بدآموزی ماهواره می‌رود.

از این بحث که بگذریم بهترین خاطره‌ای که از حضور در سریال‌های تلویزیونی در ذهن شما مانده است، چیست؟

معمولاً بازیگری هجتم که در یک برهه زمانی بازی در دو کار را انجام نمی‌دهم، ولی وقتی مشغول بازی در سریال «تنهاترین سردار» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده بودم و باید آخرین سکانس این سریال را در علی‌آباد قم می‌گرفتم، در همان حال قرار بود در اولین سکانس پهلوانان نمی‌میرند هم حاضر باشم و برای فیلمبرداری به نائین بروم. یعنی قرار بود ۸ شب در نائین باشم و ۶ صبح فردای آن روز سر کار فخیم‌زاده حاضر شوم! شب به نائین رفتم و اولین سکانس پهلوانان نمی‌میرند را بازی کردم و با ماشین خودم به قم برگشتم تا سر کار تنهاترین سردار که قرار بود صبح زود شروع شود، حاضر باشم. ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه صبح به قم رسیدم. وقتی در ماشین بودم فکر می‌کردم جاده روشن است، ولی وقتی از ماشین پیاده شدم دیدم بیابان در تاریکی مطلق است. این را هم اضافه کنم سر راه به توصیه دوستان، چوبی را همراهم آوردم! ناگهان دیدم ۲۰، ۳۰ سگ به من حمله کردند و دورم جمع شدند. من بشدت ترسیده بودم، روی زمین نشسته بودم و فقط چوب را دور سرم می‌چرخاندم تا بتوانم آنها را از خود دور کنم. خلاصه با چوب به عده‌ای از سگ‌ها حمله کردم و چندتایی‌شان را پراکنده کردم و به هر دشواری که بود، خود را تا سر جاده کشاندم و تا ۶ و ۳۰ دقیقه صبح وسط اتوبان ایستاده بودم. سگ‌ها پراکنده شده بودند که آفتاب زد و اتوبوسی که سرویس سریال بود از دور نزدیک شد و دیدم همکارانم با خنده می‌گفتند وسط اتوبان چه می‌کنی و...! این یکی از خاطرات شیرین مخاطرات آن سال‌هاست که در ذهن من مانده بود.

تا دوباره هنرمندی مثل علی خاتمی پدید بیاید و «هزارستان» را خلق کند. اگرچه امروز می‌بینیم برخی خودشان را با او مقایسه می‌کنند یا سال‌ها طول می‌کشد تا دوباره کارگردانی مثل سعید نیکپور بیاید و سریالی نظیر امیر کبیر یا شاه شکار بسازد. اینها سریال‌هایی بوده‌اند که اطمینان دارم اگر همین الان هم از تلویزیون پخش شوند، می‌توانند مخاطبان زیادی را به خود جلب کنند. رمز موفقیت سریال‌هایی از این دست هم همین است. یعنی تاریخ مصرفی ندارند و تا سال‌ها در خاطره و ذهن مردم ماندگارند.

تصور می‌کنم برای تقویت بین‌مایه سریال‌های تاریخی، کارگردانان و دست‌اندرکاران این آثار باید تلاش بیشتری به خرج دهند.

دقیقاً. ضمن این که باید به این نکته توجه کنیم که ساده پسندی در حیطه تولید سریال‌های تلویزیونی می‌تواند به یک آفت بدل شود. باید ساده پسندی کنار گذاشته شود و به جای آن برای ساخت سریال‌های تاریخی، تمق و مطالعه بیشتری در پیش گرفته شود. من در سال‌های اخیر با وجود علاقه‌ای که به تلویزیون دارم، اما پیشنهاد مطلوب و راضی‌کننده‌ای دریافت نکردم که بتوانم در تلویزیون بازی کنم، زیرا فیلمنامه‌ها با کیفیت و خوب نیستند و طبعاً من و امثال من به عنوان بازیگرانی که سال‌هاست عمر و جوانی‌مان را صرف خدمت به هنر و مردم جامعه کرده‌ایم، نمی‌توانیم در هر کاری بازی کنیم. به خاطر دارم ۲۵ سال پیش در یک سریال کم‌دستی بازی کردم که اتفاقاً خودم از حضور در این سریال راضی بودم،

اگر بخواهید مقایسه‌ای میان سریال‌های تاریخی که در دهه‌های گذشته ساخته می‌شد و سریال‌هایی که امروز با این محوریت ساخته می‌شود ارائه کنید، چه می‌گویید؟

یکی از مهم‌ترین وجوه افتراقی که در این میان به چشم می‌خورد، این است که فیلمنامه‌ها از انسجام بیشتری برخوردار بوده‌اند. در سال‌های گذشته می‌دیدیم اگر کارگردانی سراغ یک متن تاریخی می‌رود چقدر خوب می‌تواند آن را در قالب سریال به مخاطبان ارائه کند، اما امروز برخی آثار که در قالب تاریخی از تلویزیون پخش می‌شود، گره‌برداری‌های ضعیفی از متون تاریخی هستند که نمی‌توانند مخاطب را به آن شکلی که باید به سمت خود جذب کنند. حتی گاهی در سال‌های اخیر دیده می‌شود بازیگرانی که در سریال‌های تاریخی حضور می‌یابند، همان بازیگرانی هستند که در دهه‌های گذشته در سریال‌های خوبی از این دست بازی کرده بودند، اما وقتی امروز که به بازی آنها در کارهای جدید تاریخی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم انگار چیزی در این میان کم است یا به بیان ساده‌تر، گویی آن حس و حال خوبی که در سریال‌های تاریخی دهه‌های گذشته وجود داشت و در بازی بازیگران تأثیرگذار بود، امروز کمرنگ شده است. بنابراین در تکمیل صحبت‌هایم و در پاسخ به پرسش شما باید بگویم برای ساخت سریال‌های منسجم و پرکشش تاریخی، سواد کارگردان و فیلمنامه‌نویس و همین‌طور استعداد ذاتی آنها حائز اهمیت است و می‌توان گفت در درجه نخست اهمیت قرار دارد. سال‌ها باید بگذرد

مخاطبان، شما را به عنوان بازیگر سریال‌های تاریخی می‌شناسند. تمرکز بر فعالیت در این حیطه میل شخصی‌تان بوده یا پیشنهادها شما را به این سمت سوق داده است؟

این مسأله چند دلیل داشته است؛ اول این که من بازیگری بودم که از همان ابتدای ورود به این عرصه، تمایل داشته‌ام در کارهای سنگین و فاخر حضور داشته باشم. در عین حال، متن و کارگردانی یک اثر برایم اولویت دارد و همیشه سعی می‌کنم کارهایی را که به من پیشنهاد می‌شود، از جهات مختلف مورد تأمل قرار دهم. بویژه این که همیشه فیلمنامه برایم از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. با این دیدگاه، از نظر سریال‌های تاریخی که در آنها ایفای نقش کردم، دارای مولفه‌های ارزشمندی بودند و همین مسأله مرا برای حضور در این آثار ترغیب کرد.

خود شما از میان این سریال‌ها کدام را بیشتر دوست دارید؟

پهلوانان نمی‌میرند و وزیر مختار را از همه بیشتر دوست دارم. البته همان‌طور که اشاره کردم، دیگر سریال‌ها هم از هر نظر خوب و موفقیت‌آمیز بوده‌اند، اما شخصاً به این دو سریال تعلق خاطر بیشتری دارم. حتی نقشی که من در سریال «امیر کبیر» بازی کردم، توانست بخوبی جای خود را میان مخاطبان باز کند، به طوری که تا سال‌ها مردم مرا به عنوان شازده امیر کبیر می‌شناختند، اما بازم از بین تمام این سریال‌ها، وزیر مختار و پهلوانان نمی‌میرند با گذشت این سال‌ها هنوز برایم جذابیت‌های خاص خودش را دارد.

نگین شهر بردیس
فروش عدالت - مجتمع تجاری اداری کوروش
فروش استثنایی ۲ طبقه تجاری، ۱۵ هزار متر به بالا
بصورت نقد و اقساط - با ما تماس بگیرید
دفتر فروش: جهان‌نخ
۰۹۱۰۱۷۹۶۲۳۰ - ۰۹۱۲۱۷۹۶۲۳۰

کاشت مو و ابرو در بیمارستان تخصصی
«کاملاً طبیعی با ماندگی خاص»
وام ۱ ساله بدون کارمزد برای همه
با ارسال عدد ۷ به ۱۰۰۰۲۱۸۸۹۸۲۵۵۷
۳۵٪ لیزر موهای زائد، میکروفرم، PRP
تخفیف ۸۸۹۸۳۵۵۷

منوچهری کارگاه صنعتی
با جواز الکترونیک
۳۷/۵ متر کف - ۱۷ متر بالکن - ۴ متر ارتفاع
قول امکانات
۰۹۱۲۱۲۲۴۰۳۵

فروش استثنایی چند قطعه زمین مسکونی
با مجوز ساخت در بهترین منطقه شهر جدید
پردیس، به همراه تعدادی واحد ۵۸ تا ۲۳۰ متر
با وام ۲۵ میلیونی
و خریدن آپارتمان‌های مسکن مهر فاز ۲ و ۳
۸۸۹۵۱۳۱۶ - ۰۹۳۶۷۵۸۱۱۱۶

آگهی مزایده عمومی «نوبت دوم»
شرکت تعاونی آذر کوچ آذربایجان به شماره ثبت ۳۰۱۴۷ در نظر دارد، یک باب ساختمان چهار طبقه (چهار واحد) خود را به بصورت یکجا واقع در تهران - گیشا، خیابان نصر، خیابان جواد فاضل شرقی، پلاک ۲، به پلاک ثبتی ۷۴-۱۳۵۷۲-۲ و ۷۴-۱۳۵۷۵-۲ با شرایط زیر از طریق مزایده عمومی به فروش برساند:
۱- فروش به صورت نقدی خواهد بود. ۲- هر واحد به‌عنوان ۹۳ متر مفید و نوساز با امکانات کامل (یک واحد بدون پارکینگ) ۳- واریز مبلغ ۵۰٪ (۵۰٪ ریال به‌عنوان تضمین شرکت در مزایده به شماره حساب ۰۵۷۴۰۶۸۵۴۱ نزد بانک تجارت به نام تعاونی آذر کوچ آذربایجان ۴- هزینه آگهی مزایده برعهده برنده مزایده می‌باشد. ۵- در صورت انصراف مبلغ واریزی به نفع شرکت ضبط خواهد شد. ۶- شرکت در مزایده حقیقی را برای کسی ایجاد نمی‌کند. ۷- مهلت ارائه درخواست کتبی تا مورخه ۹۲/۱۲/۲۰ می‌باشد و تمدید نخواهد شد. ۸- شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد. ۹- ساعات بازدید از محل از تاریخ آگهی همه روزه از ۸ صبح الی ۱۷ عصر تا تاریخ ۹۲/۱۲/۲۰ می‌باشد.
شماره تماس: ۰۹۱۲۳۰۴۲۲۶۶ «نوبی» ۰۴۴۱۹۷۸-۰۴۱۱ «دفتر شرکت» هیات مدیره

متل قو - دریا گوشه
قابل توجه نمایندگان های ۲۵۰ متر تجاری
مصالح و لوازم ساختمانی و مواد غذایی
۰۹۱۲۷۹۴۵۵۷۹ - ۰۲۱۷۷۲۲۲۱۸۸

عباس عزیزم
دوستت داریم
تولدت مبارک
صمیمت لیلی

چهار راه گلوبندک «کوچه بادامچی»
پاساژ خرما، طبقه دوم
۱۰ تا پلاک، سرفصلی
حدود ۱۴۰ متر تجاری
فروشی
۰۹۲۵۴۰۴۰۹۰۳
۰۹۱۲۲۴۷۴۴۱۷
۵۵۵۹۷۷۱۹

نمایشگاه عرضه مستقیم کالا
قابل توجه همشهریان گرامی
زمان ۹۲/۱۲/۲۸ الی ۹۲/۱۲/۲۸ ساعت بازدید ۹ صبح
الی ۹ شب. مکان: خیابان جمهوری روبروی ساختمان پلاسکو
پارکینگ طقانی پروانه
۰۹۱۲۳۰۸۸۲۵۰

دستاوردهای علمی و ساخته‌های فناورانه بشر، این روزها نقش زیادی در روابط اجتماعی دارد و بر رویدادهای جهانی نیز اثر می‌گذارد. از این رو، کشورها چه پیشرفته و چه در حال توسعه، به افزایش آگاهی عمومی نسبت به علوم و فناوری‌های آن نیاز روزافزونی احساس می‌کنند و این موضوع یکی از جدی‌ترین چالش‌ها برای آنها که پیشرفت خود را متکی بر تربیت شهروندانی با مهارت‌های ذهنی و عملی و خلاق می‌دانند - به‌شمار می‌آید. طی صد سال گذشته در بسیاری از کشورهای جهان موزه‌ها، خانه‌های علم و باشگاه‌های تقویت خلاقیت و نوآوری نقش مهمی در کنار آموزش‌های رسمی ایفا کرده و استفاده از امکانات آنها برای مقاطع گوناگون تحصیلی رشد چشمگیری داشته است. این مراکز با امکانات ویژه نمایشی و محیط‌های آزادی که برای کسب تجربه شخصی و مهارت‌آموزی دارند، بهترین مکان برای آموزش غیررسمی و آزاد برای گروه‌های دانش‌آموزی و حتی دانشجویی به‌شمار می‌رود. همه آنچه گفته شد می‌تواند دلایل خوبی باشد برای ساخت یک برنامه با رویکرد علمی - آموزشی. این روزها برنامه «چیستا» به سفارش گروه نوجوان شبکه دو سیما و با مشارکت مرکز علمی - تفریحی فن‌آموز و یکشنبه‌ها ساعت ۱۸ و ۴۵ دقیقه پخش می‌شود. برای تهیه گزارش از تولید این برنامه همراه تعدادی از خبرنگاران و عوامل روابط عمومی شبکه دو راهی محل تصویربرداری کار یعنی پارک فن‌آموز واقع در شهرک پردیس (حوالی بومهن) شدیم؛ پارکی بسیار بزرگ و سرسبز که همه جای آن تندیسهایی از دانشمندان بنام کشورمان نصب شده است.

هدف، ایجاد انگیزه است

در بدو ورود مهندس علیرضا تفرشی، مدیر مرکز علمی - تفریحی فن‌آموز به استقبال آمد. وی در توضیحات خود گفت: گروه فن‌آموز کار خود را از سال ۶۵ با اولین فارغ‌التحصیلان سازمان استعدادهای درخشان آغاز و موسسه تولیدی - پژوهشی عترت را پایه‌گذاری کرد. آن زمان و سال‌ها بعد به ساخت تجهیزات آزمایشگاهی و برگزاری کلاس‌هایی پرداختیم تا این که هشت سال قبل با توجه به موفقیت‌های به دست آمده در این زمینه موسسه فن‌آموز تاسیس شد. کار مجموعه فن‌آموز ایجاد مراکز علمی و تفریحی برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان است تا هم اوقات شاد و مفرحی را بگذرانند و هم با بسیاری از مفاهیم علمی و پیشرفت‌های روز آشنا شوند. در کشورهای پیشرفته خانه‌های علم (science center) سابقه صد ساله دارد، اما در کشور ما نوباست. ما دو هدف عمده را دنبال می‌کنیم؛ اول پرکردن اوقات فراغت علاقه‌مندان به شکل مطلوب و دوم آموزش غیرمستقیم. در واقع هدف ما ایجاد انگیزش است. پدیده‌های جالب را به بچه‌ها نشان می‌دهیم، سپس آنها خودشان سوال می‌کنند و به دنبال جواب می‌روند، به‌عنوان نمونه وقتی بچه‌ها دستگاه چنگ لیزری را می‌بینند که به جای سیم، نور لیزری

موز به چکش تبدیل می‌شود

با پایان یافتن توضیحات مدیر مرکز، راهی استودیو می‌شویم. سر و صدای زیادی به گوش می‌رسد. حدود ۵۰ پسر نوجوان که به نظر می‌رسد تماشاچیان یا



گزارشی از پشت صحنه برنامه تلویزیونی «چیستا» در پارک فن‌آموز

سفر تلویزیونی نوجوانان به دنیای علم

شرکت‌کنندگان برنامه باشند روی سکوها نشسته‌اند. با پاهایشان ضرب گرفته و روی سکو می‌کوبند و یکصدا فریاد می‌زنند چیستا چیستا! کمی آن سوتر روی میزهای پشت صحنه وسایل مختلفی چیده شده، از کلاه ایمنی گرفته تا توپ‌های کوچک پینگ‌پنگ، بادکنک مکزیک، انواع مواد شیمیایی، چسب، چوب، میخ، پلاستیک و... با حرکت دست کارگردان ضبط قسمتی از کار آغاز می‌شود. بچه‌ها ساکت می‌شوند. دو مجری برنامه پشت یک میز می‌ایستند. یکی دکتر نام دارد و دیگری ابوالفضل. هر دو عینک‌های بزرگ و سفید رنگی که به آن عینک صنعتی می‌گویند، به چشم‌شان می‌زنند. روی میز یک تخته چوبی، میخ فلزی و یک موز قرار دارد.

دکتر: اگر به قدرت علم مطمئن شویم کارهایی می‌توانیم انجام دهیم که باورش سخت است. به نظر شما با این موز می‌توان این میخ را به این تخته کوبید؟

ابوالفضل: معلوم است که نمی‌شود. میخ را با چکش می‌کوبند. موز میوه نرمی است و له می‌شود.

چند لحظه بعد دکتر موز را درون ظرفی پلاستیکی که حاوی نیتروژن مایع است و بخار از آن خارج می‌شود، قرار می‌دهد. بعد از گذشت یک دقیقه دکتر از ابوالفضل می‌خواهد با موز میخ را به تخته بکوبد. در کمال ناباوری موز آن‌قدر سفت و سخت شده که میخ بخوبی درون تخته فرو می‌رود. تماشاچیان دست می‌زنند و سوت می‌کشند. تماشای این آزمایش حتی برای ما خبرنگاران و عوامل پشت صحنه نیز جالب است و همه را به وجد می‌آورد.

اتفاق‌های ملموس

نزدیک ظهر است. برای مدت کوتاهی ضبط متوقف می‌شود. بچه‌های شرکت‌کننده از استودیو بیرون می‌آیند تا استراحتی داشته باشند. در سالن میانی ساختمان وسایل جالب توجهی به منظور سرگرمی و آموزش بچه‌ها قرار گرفته است. وسایلی مانند ربات پاسخگو، تیراندازی لیزری، آینه مقعر صوتی، فواره خودکار، ربات

فوتبالیست و نردبان پلاسما. فرصت مناسبی پیش می‌آید تا با سیدمحسن حسینی، تهیه‌کننده برنامه کمی صحبت کنیم. او کارشناس مهندسی برق و کارشناس ارشد مدیریت رسانه است. وی که تهیه‌کنندگی برنامه‌هایی چون «سرزمین دانایی» و «دولت الکترونیک» را در کارنامه حرفه‌ایش دارد، می‌گوید: رهبر معظم انقلاب پیشرفت علمی را رمز توسعه همه‌جانبه و موفقیت هر ملت در عرصه‌های گوناگون برشمرده و همه دستگاه‌ها و مراکز ذی‌ربط را به این مقوله فراخوانده‌اند. ایشان در بیانات اخیرشان فرموده‌اند باید به گونه‌ای علوم پایه را در کشور به عرف و مساله‌ای همگانی تبدیل کنیم و با تکیه بر نوآوری و ابتکار سرعت دستیابی به قله‌های علم را افزایش دهیم. وی در خصوص انتخاب نام برنامه می‌گوید: چیستا به معنای دانش و دانستن است. چیستا اولین برنامه در گونه دانش‌نما (science show) است؛ برنامه‌ای استودیویی - ترکیبی که مجموعه آزمایش‌های شگفت‌انگیز و جذابی را برای همه گروه‌های سنی به نمایش درمی‌آورد. این برنامه در ۲۶ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای به پخش خواهد رسید. تیم طراح برنامه همان تیم سرزمین دانایی است که سال گذشته جایزه بهترین برنامه تحقیقی - پژوهشی را در جشنواره جام‌جم دریافت کرد. چیستا برنامه‌ای علم محور است که مفاهیم علمی را با بیانی نرم نشان می‌دهد. در واقع نوعی یادگیری با طعم لذت‌بخش برای نوجوانان. محور برنامه، آزمایش‌هایی است که به علوم تجربی برمی‌گردد. بسیاری مطالب را بچه‌ها به‌صورت تئوری در کتاب‌ها خوانده‌اند، اما اینجا همان مطالب را از نزدیک لمس می‌کنند. می‌خواهیم با این برنامه، هم علم را ترویج دهیم و هم انگیزه بچه‌ها را برای کسب علم تقویت کنیم. همان‌گونه که نماز و روزه فریضه است، کسب علم هم در اسلام فریضه است. برای همین شهید مطهری معتقد بود تفکیک بین علوم طبیعی و اسلامی اشتباه است و هر آنچه از علم که نیاز جامعه اسلامی است باید اسلامی باشد، پس همه علوم اسلامی است؛ از دندانپزشکی گرفته تا فیزیک و ما خودمان باید علم مورد نیاز جامعه اسلامی‌مان را تولید کنیم. حسینی

تکیه بر باد؛ تلخ اما حقیقی

سیمای پویا



مستندهای اجتماعی که با نگاهی منتقدانه شرایط اجتماعی را مورد کنکاش قرار می‌دهند، ابعاد گسترده و گوناگونی نسبت به دیگر گونه‌های مستند دارند. مدتی است روزهای یکشنبه ساعت ۲۰ شاهد پخش مستند اجتماعی تکیه بر باد از شبکه یک سیما هستیم. به دلیل اهمیت سوژه انتخابی این مستند با محمدرضا زیدی، کارگردان و تهیه‌کننده آن گفت‌وگو کرده‌ایم. او حدود ۹ سال است که مستندسازی می‌کند و تاکنون ۲۴ کار مستند تولید کرده است.

«تکیه بر باد»، مجموعه مستندی هشداردهنده درباره معضلات مواد مخدر و قرص‌های روانگردان است. پخش این گونه مستندها از تلویزیون چقدر می‌تواند برای جامعه مفید باشد؟

رسانه به‌عنوان یکی از ارکان مهم اطلاع‌رسانی توانسته در زمینه طرح مشکلات و معضلات اجتماعی نقش آفرینی کند و به عنوان بازویی مهم در آگاه‌سازی افراد گام مفیدی بردارد؛ بنابراین تلویزیون به‌عنوان فراگیرترین رسانه، نقشی غیرقابل‌انکار در ارائه موضوعات اجتماعی دارد. مستند تکیه بر باد با همین رویکرد تولید شد تا یکی از معضلاتی که جامعه با آن روبه‌رو است، به تصویر کشیده شود. افرادی که از داروهای روانگردان استفاده می‌کنند، فقط خودشان در معرض نابودی نیستند، بلکه به خانواده خود، دوستان و دیگر اقشار جامعه آسیب می‌رسانند. این داروها، روی سیستم ایمنی بدن و عملکرد مغز تأثیر منفی می‌گذارد. در یکی از قسمت‌های مستند تکیه بر باد می‌بینید که شخصی بر اثر استفاده از قرص روانگردان همسر خود را کشته است. هدف از ساخت چنین مستندی، این است که جرقه‌ای در ذهن مصرف‌کننده‌های تازه‌کار زده شود تا از این راه غلط بگردند و در ضمن وقتی به فردی پیشنهاد استفاده از این قرص‌ها می‌شود، بیشتر تأمل کند.

و رویکرد شما، ضمن آن که هشداردهنده بوده اما نصیحت‌گونه نیست، درست است؟

بله، زیرا کسی شنونده نصیحت نیست. بویژه جوانان این دوره میلی به دیدن برنامه‌هایی ندارند که مستقیماً آنها را نصیحت کند. به همین دلیل مستند محض اجتماعی تکیه بر باد را ساختم تا بینندگان خودشان قضاوت کنند. در این مستند انتهای راه استفاده از مخدرهای مدرن نشان داده شده است.

ساخت این مستند محض پیش‌رو داشتید.

بله و در واقع می‌توانم بگویم مشکلات بسیاری را به جان خریدیم، چون در بعضی مواقع افراد با عوامل فنی و اجرایی حتی برخورد فیزیکی هم می‌کردند و به همین دلیل، ما در بعضی موارد از دوربین مخفی استفاده کردیم. حدود دو سال پیش ساخت مستند تکیه بر باد شروع شد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در بعضی جاها از جمله تصاویری که در بیمارستان لقمان گرفته شده، تاریخی که درج می‌شود مربوط به اردیبهشت ۹۰ است. همین‌جا لازم می‌دانم از زحمات مدیر گروه مستند شبکه یک تشکر کنم، زیرا برای پخش از بعضی از بخش‌های مستند ایراد گرفته شد تا دچار ممیزی شود، ولی با همکاری مدیر گروه مستند و حمایت دیگر عزیزان، هیچ چیزی از این مستند حذف نشد.

ظرفیت تلویزیون را برای کمک به حل مشکلات اجتماعی چطور ارزیابی می‌کنید؟

همان‌طور که اشاره کردم تلویزیون نقش پررنگ‌تری نسبت به دیگر رسانه‌ها دارد، اما این که چگونه باید با مخاطب وارد بحث شد، موضوعی مهم است. بودجه، اختصاص ساعت پخش مناسب و تکرار مستندها هم به دیده شدن مستندها کمک می‌کند. خوشبختانه با درایت مدیر شبکه یک، بهترین ساعت پخش نصیب مستند تکیه بر باد شده است، زیرا این مستند ۲۵ دقیقه‌ای در ساعت ۲۰، قبل از اخبار ۲۱ شبکه یک و قبل از اخبار ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه شبکه دو یکشنبه‌ها روی آنتن می‌رود. باید توجه کنیم پرداختن به چنین موضوعاتی، یعنی تلاش برای نجات جامعه.

باز هم انگیزه ساخت مستند محض اجتماعی دیگری را برای تلویزیون دارید؟

در ساخت چنین کارهایی انگیزه حرف اول را می‌زند. هر کس در قبال جامعه‌ای که در آن متولد شده، رشد کرده و در آن زندگی می‌کند، وظیفه‌ای دارد. من هم امیدوارم با ساخت چنین مستندهایی سهم کوچکی ایفا کنم، زیرا نجات یک فرد، نجات جامعه است. بر همین اساس در مستند تکیه بر باد سعی کردم به نیاز مخاطب توجه داشته باشم و با دادن اطلاعات تازه، ذهن مخاطب را نسبت به سوژه (یعنی داروهای روانگردان) بیشتر درگیر کنم تا نسبت به مضرات استفاده از این داروها دیدگاه متفاوت و نگرش تازه‌ای ارائه شود. هم‌اکنون مردم منتظر دیدن مستندهای خلاقانه و جذاب هستند، زیرا چنین مستندهایی برای بیننده بیشتر قابل پذیرش است و من نیز انگیزه ادامه ساخت این گونه مستندها را دارم.

مستند محض اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارد؟

وقتی می‌گوییم مستند اجتماعی یعنی نگاه مستندساز رو به جامعه است و در بچه دوربین او پاره‌ای از مسائل جامعه را نشان می‌دهد؛ مسائلی که شاید به چشم مردم عادی نیاید. وقتی کلمه محض با مستند همراه می‌شود، یعنی هیچ صحنه‌ای در مستند بازسازی نشده و هر آنچه دیده می‌شود، واقعیت محض است. در مستند تکیه بر باد، تصاویر صددرصد حقیقی است. هر چند حقیقت تلخ است اما گریزی از آن نیست.

کار سختی در



این عصر با گسترش وسایل ارتباط جمعی یا رسانه‌های گروهی، عصر ارتباطات نامیده شده و برخی آن را یکی از نهادهای اجتماعی برمی‌شمارند. وسایل ارتباط جمعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل ایجاد تغییرات در جوامع بشری به جامعه و افراد کمک می‌کند تا در مسیر و خط مشی معین خود موفق‌تر و با آگاهی و اطلاعات بیشتری حرکت نکند و روند مشارکت اجتماعی آنها سریع شود. حتی در چگونگی تعامل متقابل شهروندان تاثیر گذاشته و کنش‌ها و واکنش‌ها را جهت‌دار و متناسب با دیگر ابعاد جامعه ساخته است. بنابراین وسایل ارتباط جمعی باید نه تنها به انتقال خبر و اطلاعات، بلکه به تحلیل درست اخبار و تشریح آنان بپردازد. وقایع متمایز و پراکنده‌ای که در جهان رخ می‌دهند، بظاهر متفاوت هستند، اما با نگاهی ژرف می‌توان علل بنیادی برای آنان یافت. در این میان، رسانه‌ها کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دارند که با آن از مرزهای جغرافیایی خارج شده به مرزهای فرهنگی مشابه نزدیک می‌شوند. با این تعریف، گستردگی شبکه‌های مختلف تلویزیونی به زبان‌های گوناگون به میان می‌آید و ضرورت عرض اندام شبکه‌ای بین‌المللی برای مخاطبان غیرداخلی و با اهداف برون‌مرزی در مجموعه رسانه ملی احساس می‌شود که البته این مهم سال‌هاست در معاونت برون‌مرزی صدا و سیما محقق و به تاسیس شبکه‌های تلویزیونی با بهره‌گیری از این اهداف منجر شده است؛ شبکه‌ای جهانی با شش زبان گوناگون. شبکه جهانی سحر اولین شبکه تلویزیونی برون‌مرزی سیما جمهوری اسلامی ایران است که سال‌هاست فعالیت خود را در این زمینه آغاز کرده است. این شبکه مخاطبان بسیاری از کشورهای مختلف با زبان‌های متفاوت دارد. به همین منظور سراغ برنامه‌سازان و تهیه‌کنندگان برنامه‌های آن رفتیم و ارزیابی آنها را از این شبکه جویا شدیم.

تولید محتوای مناسب به زمان نیاز دارد

عاطف سادات‌دربندی، تهیه‌کننده برنامه «pure home» سیما انگلیسی و برنامه «صبح و زندگی» سیما اردو، وی ده سال پیش کار خود را در تولید برنامه‌های زنده آغاز کرد و تهیه برنامه‌هایی چون شما و سحر، بیداری، صبح و زندگی و خانواده انگلیسی را در کارنامه خود دارد. وی برای دیگر شبکه‌های تلویزیونی چون شبکه یک و شبکه مستند نیز برنامه‌های تولیدی ساخته است. دربندی درخصوص برنامه‌سازی در این شبکه می‌گوید: انتخاب سوژه‌ها براساس نیاز مخاطبان صورت می‌گیرد و آنچه در جامعه مخاطب می‌گذرد، رویکرد و هدف این است که حتما سوژه‌ها به روز بوده، اتفاقات و اخبار خارج از ایران را هم در بر داشته باشد. سعی می‌کنیم در برنامه‌ها اتفاقات جهان اسلام هم را بررسی کنیم، اما نکته مهم‌تر این که از انتخاب سوژه تا تولید محتوا زمان و فکر بسیاری لازم است. البته تهیه محتوای برنامه نیز با مشورت مدیر گروه و تهیه‌کننده انجام می‌شود. تهیه‌کننده برنامه خانواده سیما انگلیسی درخصوص اهمیت سلاقی و علایق مخاطبان انگلیسی زبان در

تولید محتوای برنامه می‌گوید: مساله فقط زبان نیست و مهم‌تر از آن اعتقادات آنهاست. با این که در دنیای شبکه‌های ماهواره‌ای، برنامه‌های بسیاری با این زبان و با جاذبه‌هایی چون موسیقی وجود دارد، آنچه نقطه عطف ما برای جذب مخاطب در برنامه است، اصول اعتقادی و ایدئولوژی است که ارائه می‌کنیم و مخاطب آن را می‌پذیرد و برای بینندگان ما در انتخاب این شبکه، اطمینان خاطر همراه دارد. در مجموع رسالت شبکه سحر در ارزیابی با شبکه‌های دیگر بسیار متفاوت است. لذا خوشحال هستیم که این شبکه جای خود را میان مخاطبان هدفش باز کرده است. این موضوع با توجه به بازتابها و بازخوردهای مخاطبان قابل مشاهده است.

تسلط بر زبان و دانش علمی

فرهاد وفاجو، مجری برنامه‌های شبکه سحر است که از سال ۸۵ با سازمان همکاری داشته و پیش از این نیز در شبکه خبری پرس تی‌وی دبیر خبر بوده است. وی از سال ۸۶ اجرا، گویندگی، دبیری خبر و ترجمه را در شبکه سحر به عهده داشته و حدود دو سال است با سیما انگلیسی همکاری دارد. به علت تسلطی که بر زبان انگلیسی دارد، بیشترین کارش در شبکه، خبر و مطبوعاتی است که به این زبان منتشر شده است. یکشنبه‌ها نیز کار اجرای پنج دقیقه برنامه خانواده انگلیسی را به عهده دارد. وفاجو در ارزیابی برنامه‌های شبکه سحر می‌گوید: هم در ایران و هم خارج از کشور شبکه‌های انگلیسی زبان بسیاری داریم، اما در شبکه سحر برنامه‌ها با نگاه دیگری - که جزئی از رسالت شبکه است - معرفی می‌شوند، چون به عقیده من هیچ شبکه‌ای نیست که تمرکزش روی دین اسلام باشد. برای غنابخشی به این اقدام، در برنامه‌های این شبکه از کارشناسان زبده‌ای چون دکتر فاطمی استفاده می‌شود و این مساله به سطح کیفی برنامه‌ها رشد صعودی می‌بخشد و باعث می‌شود رضایت‌مندی مخاطبان بیشتر حاصل شود. کار کردن در شبکه سحر برای من بسیار لذت بخش است. وی در پایان صحبت‌هایش با اشاره به موضوع تخصص زبانی در این شبکه می‌افزاید: متأسفانه بیشتر فارغ‌التحصیلان رشته‌های خبر و روزنامه‌نگاری و علوم سیاسی تسلط کافی بر زبان انگلیسی ندارند. به همین دلیل در برخی برنامه‌ها از کارشناسان زبان استفاده می‌شود تا چارچوب زبانی برنامه‌ها حفظ و برنامه‌ها در حد استاندارد ارائه شود. به نظر من باید این موضوع در رشته‌های مختلف دانشگاهی نهادینه شود تا فارغ‌التحصیلان در رشته‌های مرتبط رسانه‌ای به کارشناسان خوبی در حوزه زبان بدل شوند.

اصل اول، احترام به مخاطب است

مصطفی محمودی، تهیه‌کننده برنامه خانوادگی سیما کردی است. وی بیشتر برنامه‌های ترکیبی و مستند را برای سیما کردی و دیگر سیماها تولید کرده است. او کارگردانی سینما خوانده و از سال ۷۷ تاکنون به‌طور جدی در سیما کردی مشغول کار است. وی درخصوص ارزیابی از شبکه سحر می‌گوید: شبکه سحر یک شبکه تخصصی است و چون با زبان‌های متفاوتی ارتباط برقرار می‌کند، تولید محتوا برای چنین شبکه‌ای کمی دشوار است. خوشبختانه در این چند سال نیروهای

ارزیابی تهیه‌کنندگان و برنامه‌سازان

حرکت در

تخصص لازم را داشته باشند. به طور مثال، مجری یک برنامه کردی باید زبان کردی سورانی را بداند و بتواند الفاظ و کلمات را بخوبی ادا کند. چنین کسی باید حتی درباره بافت جغرافیایی و فرهنگی مناطقی که مخاطبان در آن زندگی می‌کنند، آگاهی کامل داشته باشد. به طور مثال مطالعه و تحقیق درباره مردمان کردستان عراق داشته باشد. این موضوعات برای ساخت یک برنامه کردی در سیما بسیار مهم است. به همین علت پیشنهاد می‌کنم در کنار این نیروهای کارآمد، فراخوان‌های متعددی ارائه شود تا دوستان علاقه‌مند و متخصص در برنامه‌سازی نیز به شبکه بپیوندند و این نیروها در کنار دیگر نیروهای توانمند آموزش ببینند. مطمئن باشید وقتی نیروهای تازه نفس وارد کار شوند با خود خلاقیت بیشتری می‌آورند. درخصوص تحریم‌های رسانه‌ای نیز باید بگویم، با این که مشکل کوچکی در ماهواره‌ها به خاطر تحریم‌ها پیش آمد و هاتبرد را از دست دادیم، اما در همین دوران از کشورهای اسکانداوی و بینندگان بسیاری داشتیم. از کشورهای اسکانداوی و دیگر کشورهای اروپایی و نیز آمریکا بینندگان بسیاری داشتیم. کرد زبان‌های این مناطق با ما تماس می‌گیرند و مثلاً پاسخ مشکلات پزشکی‌شان را از کارشناسان ما می‌خواهند یا در مورد برنامه‌ها اظهار نظر می‌کنند.

البته به سبب تحریم‌ها برخی مخاطبان را از دست داده‌ایم، اما مخاطبان کردستان عراق بیشتر شده‌اند. با وجود این که همگان می‌دانند مخاطب هدف برون‌مرزی را مدنظر داریم، در ایران نیز بینندگان بسیاری داریم. به عقیده من اتفاق خوبی است اگر شبکه سحر در کنار شبکه‌های تلویزیونی (سیستم دیجیتال) قرار گیرد و بازخورد بسیار خوبی خواهد داشت. قرار گرفتن شبکه



است که از سوی مخاطبان داخلی کمتر دیده می‌شود و مدیران هم کمتر این شبکه را می‌بینند در صورتی که حجم کاری آن از شبکه‌های داخلی بیشتر است. به همین دلیل متأسفانه کمتر به این شبکه به لحاظ اختصاص بودجه و امکانات بها داده می‌شود. این در حالی است که شبکه سحر از زبان‌های تخصصی برای تولید و پخش برنامه‌های خود بهره می‌برد. مثلاً علاوه بر اصل تولید به زبان‌های ویژه، برنامه‌سازان حتماً باید هنگام تدوین حضور داشته باشند تا برنامه کوچک‌ترین مشکلی به لحاظ غلط املائی و جابه‌جایی حروف در زبان‌های مختلف نداشته باشد. متأسفانه امکانات تعداد افرادی که کار می‌کنند محدود است. به عنوان نمونه، بسیاری از دوستان در سیمای اردو متخصص هستند، اما باز هم نیاز به امکانات بیشتری احساس می‌شود و لازم است توجه خاصی به شبکه سحر مبذول شود تا علاوه بر گسترش ساختار و جذب بیشتر افراد متخصص، برنامه‌های شبکه‌های مختلف خود را در شمایل شبکه‌های بیست و چهار ساعته و مطابق با اصول رسانه‌ای روز دنیا روی آنتن ببرد، نه با شرایط فعلی که هیچ‌یک بیست و چهار ساعته نیستند.



کیفیت و محتوا در برنامه‌سازی مهم است

محسن روخ‌دوست، تهیه‌کننده برنامه «ایران در یک نگاه» لیسانس ارتباطات رسانه دارد و از سال ۸۲ کارهای تولیدی، دستیاری شبکه یک و خبر را به عهده داشته و از سال ۸۳ با شبکه برون‌مرزی همکاری می‌کند. وی می‌گوید: سعی می‌کنیم در برنامه‌سازی‌های شبکه سحر بعد برون‌مرزی آن را حفظ کنیم، چون مخاطبان شبکه فقط در شبه قاره هند و پاکستان نیستند و در اروپا و آسیا هم اردوزبانان زندگی می‌کنند. سعی می‌کنیم برنامه‌ها به نحو احسن و با کیفیت بالا روی آنتن بروند تا رضایت مخاطب حاصل شود. به عقیده من برای موفقیت بیشتر باید در کارها بماند ایجاد خلاقیت و انگیزه کنیم. جنبه برون‌مرزی را در کنار ایرانی بودنش حفظ کنیم. از لحاظ دکور و تدوین و گرافیک و محتوای تولیدی باید خلاقانه عمل کنیم، چون همیشه در حال رقابت و مقایسه هستیم. رقابت در همه شبکه‌ها وجود دارد و باید خلاقانه برنامه‌سازی کنیم.

حتی یک مخاطب هم انگیزه‌ساز است

حسین خروچی، تهیه‌کننده برنامه «میزگرد» سیمای فرانسوی است و از سال ۷۸ از بدو تاسیس سیمای فرانسوی با آن همراه بوده است. این کارشناس علوم ارتباطات می‌گوید: هدف برنامه‌سازی، اطلاع‌رسانی است. باید به مخاطبان در مورد موضوعات مختلف اطلاعات درست و شفاف بدهیم، چون برخی رسانه‌ها و شبکه‌های دیگر با غلو شده حرف می‌زنند یا اطلاع‌رسانی درستی ندارند. مخاطبان هدف از شروع سیما همیشه پیگیر برنامه‌های ما بودند و ایمیل‌ها و پیام‌هایی که به ما می‌رسد مشخص می‌کند از برنامه‌ها رضایت دارند. ما نیز همیشه نظرات آنها را در برنامه‌سازی لحاظ می‌کنیم. قطعاً مخاطبان برنامه بسیار زیاد هستند اما اگر ما تنها یک مخاطب داشته باشیم؛ همان یک نفر را نیز در نظر می‌گیریم و برای او برنامه می‌سازیم، چون برای مخاطب احترام قائلیم. چه از نظر ساختار برنامه، چه از نظر محتوای آن. این سبب می‌شود مخاطب، شبکه و برنامه را دوست داشته باشد و برنامه‌های آن را پیگیری کند.

نیازسنجی مخاطب به برنامه‌ساز کمک می‌کند

محسن محسنی، تهیه‌کننده برنامه نگاه هفته (زاویه نگاه) کارشناس زبان و ادبیات اردوست و بیش از ۱۱ سال است که با توجه به رشته تحصیلی‌اش در سیمای اردوی شبکه سحر فعالیت می‌کند. او کارمند هماهنگی سیمای اردوست و در تهیه‌کنندگی و دستیاری برنامه‌های مختلف فعالیت داشته است. وی می‌گوید: مخاطبان شبه قاره کمتر به سمت رسانه‌های گروهی غربی می‌روند، آن هم به علت نامشروع بودنش است که قبولشان ندارند اما شبکه سحر را به عنوان شبکه‌ای پاک و سالم و اخلاقی که می‌توانند به آن اطمینان کنند پذیرفته‌اند. ما هم با توجه به سلیقه آنها نیازشان را مرتفع و مسائل مذهبی و سیاسی‌ای را که دوست دارند، مطرح می‌کنیم. همچنین می‌کشیم از مسائلی که باعث تفرقه می‌شود، بپرهیزیم. از دیگر سو، همه چیز را بررسی می‌کنیم و یکطرفه به قاضی نمی‌رویم. مخاطبان برنامه‌های شبکه سحر، سریال‌های تلویزیونی و بحث‌ها و مسائل سیاسی و برنامه‌های سیمای اردو را دوست دارند. خوشحالم که رضایت آنها حاصل شده است. شاید به این علت که علایق و سلیق مخاطبان برای ما مهم است. همیشه ابتدا نیازسنجی می‌کنیم. حتی به کشور هدف پاکستان هم سفر کرده‌ایم و در میان مردم نظرسنجی انجام داده‌ایم که چه برنامه‌ای را دوست دارند و چه کمبودی دارند تا بتوانیم سال آینده این کمبودها را با برنامه‌سازی رفع کنیم. اما متأسفانه سحر شبکه‌ای



سازان از شبکه تلویزیونی سحر

مسیر توسعه

سال اخیر چون قبلاً استودیوها در فضای کروماکی بود و حالا در فضای دکور، برنامه‌ها اجرا می‌شود. مسلماً این کار در پروسه‌های چندماهه با داشتن اتاق فکر و هزینه‌های بالا صورت گرفته است. خوشبختانه گرافیک نسبتاً خوب و رنگ‌بندی خوبی هم دارد اما ویژگی اصلی شبکه سحر در بخش محتوایی است که وجه تمایزی است با دیگر شبکه‌ها. این شبکه از جذابیت پورنو استفاده نمی‌کند. فضای سالمی دارد و دانش محور و مبتنی بر اخلاقیات اسلامی است. حتی خانواده‌های جوان در بلندمدت جذب این شبکه می‌شوند چون دو راهکار بسیار اساسی را در پیش گرفته است، یکی ایجاد سرگرمی برای خانواده‌هایی که فرزند دارند و سرگرمی‌های سالم ارائه می‌کند و دوم این که دیدن این شبکه و برنامه‌هایش باعث ارتقای دانش سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مخاطبان می‌شود.

سحر در نایل ست هم کمک زیادی به افزایش مخاطبان ما کرد. به این دلیل که برخی خانواده‌های کردی ماهواره هاتبرد را به خاطر بعضی برنامه‌ها نمی‌پسندیدند و از ما خواستند در ماهواره نایل ست فرکانس داشته باشیم تا دیگر دیش‌های خود را تغییر ندهند. چیزی که برای ما بسیار اهمیت دارد احترام به مخاطب است، حتی اگر یک نفر باشد چون شرط اول موفقیت، احترام به مخاطب است. موفقیت برنامه‌های سیمای کردی نیز به این دلیل است که به مخاطب احترام می‌گذارد و آنچه او می‌خواهد برایش بسیار مهم است. برای همین است که این برنامه در دل بیننده رخنه می‌کند و قابل اعتماد است. هیچ چیز مهم‌تر از اصل اعتماد نیست.

سحر، یک شبکه بسیار غنی است

رستم نادری نیز تهیه‌کننده برنامه «شما و سحر» با نام اردوی «بزم انجم» ۱۴ سال است به‌طور رسمی کار تهیه‌کنندگی می‌کند. وی شروع فعالیت خود را با گذراندن درس‌های تخصصی مربوط به تولید در دانشکده صدا و سیما آغاز کرده و مدرک فوق لیسانس رشته اقتصاد را دارد. او در ده سال گذشته نیز بیشتر برنامه‌های اقتصادی تولید کرده است. همان‌طور که خودش می‌گوید، حدوداً از چهار سال پیش به سمت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی روی آورده و در کنار این فعالیت‌ها مجله اقتصادی در سیمای اردو را نیز تهیه کرده است. نادری درباره موفقیت شبکه سحر می‌گوید: شبکه سحر از دو جنبه مورد توجه است؛ از جنبه بصری و گرافیکی با توجه به پایشی که نسبت به شبکه‌های ماهواره‌ای داشتیم، از این لحاظ بسیار غنی است و در درجه متوسط رو به بالاست و این هم نتیجه تلاش مدیران و مسئولان شبکه است بخصوص در این چند





فیلم ۱۲ سال بردگی یا فیلمنامه اقتباسی یکی از پرندگان جاذبه سکار

سایه سنگین نویسنده

بسیاری به سراغ فیلمنامه‌های اقتباسی رفتن را یک ریسک بزرگ می‌دانند

سحر مظفری

نگاهی به فیلم‌هایی مثل دوازده سال بردگی به کارگردانی استیو مک کوئین که براساس رمان خاطرات «سولومون نورتاب» نوشته شده و امسال توانست جایزه اسکار بگیرد، نشان می‌دهد بسیاری از فیلم‌هایی که مورد استقبال قرار می‌گیرند، اقتباسی هستند، اما در اینجا کمتر فیلمسازی ریسک رفتن سراغ یک اثر ادبی و ساختن فیلمی براساس داستان آن را می‌پذیرد. آنهایی هم که به سراغ فیلمنامه‌های اقتباسی می‌روند

آن را پروسه‌ای چالش برانگیز می‌دانند و اگر پای درددل آنها بنشینید، ساختن یک کار غیراقتباسی را راحت‌تر می‌دانند. به گفته بیشتر کارگردانان و نویسندگانی که سراغ داستان‌های ادبی نمی‌روند، در طول نگارش فیلمنامه اقتباسی، سایه سنگین نویسنده اثر روی آنها و کارشان حضور دارد و در تمام مراحل نگارش، تحت تاثیر نویسنده و دیدگاه‌های او هستند. بعضی وقت‌ها نویسنده اثر اجازه دخل و تصرف در نوشته‌اش را به

سازندگان فیلم سینمایی می‌دهد و مانعی در راه تولید نسخه سینمایی کار خود ایجاد نمی‌کند، اما گاهی عکس آن هم اتفاق می‌افتد. برای مثال «جی.کی. رولینگ» به این شرط اجازه تولید فیلم‌های هری پاتر را به خریداران امتیاز سینمایی مجموعه کتاب پرخواننده هری پاتری داد که بتواند کنترل کامل روی تولید نسخه‌های سینمایی کتاب‌هایش داشته باشد، در نتیجه تهیه‌کنندگان فیلم‌ها باید به دلیل حضور نویسنده اصلی کتاب‌هایی که تبدیل به کارهای سینمایی می‌شوند،

هزینه‌ای اضافه را متقبل شوند. منتقدان سینمایی روی این نکته تاکید می‌کنند که بین خوانندگان یک کتاب و فیلمنامه‌نویسانی که کتاب را به یک فیلمنامه تلویزیونی یا سینمایی تبدیل می‌کنند باید رابطه‌ای تنگاتنگ وجود داشته باشد و گرنه تولید یک اثر سینمایی یا تلویزیونی از روی آن اثر، کاری بیهوده است که توجهی را هم جلب نمی‌کند.

بسیاری از رمان‌های مشهور و محبوب پس از آن که تبدیل به فیلم‌های سینمایی یا نسخه تلویزیونی شده‌اند، توانسته‌اند انتظارات و خواسته‌های مردم عادی و خوانندگان این رمان‌ها را برآورده کنند. برای مثال می‌توان از فیلم‌هایی مثل رمز داوینچی و جادوگران ایست ویک نام برد که برخلاف محبوبیت زیاد نتوانستند روی پرده سینما موفقیتی چه از نظر مادی و چه معنوی کسب کنند، مگر این که سال‌ها از نمایش عمومی این فیلم‌ها گذشته باشد. مثل فیلم‌های جادوگر شهر اوز یا فیلم بر باد رفته.

بعضی وقت‌ها هم تماشاگران سینما کتاب‌هایی را که فیلم‌ها براساس آنها ساخته شده‌اند، خوانده‌اند اما از تغییراتی که فیلمنامه‌نویسان در مضمون قصه انجام داده‌اند، ناراضی هستند. بیشتر آنها اثر سینمایی را خشک و بی‌روح می‌دانند که به اندازه خود کتاب ملموس و باورپذیر نیست یا کارگردان و نویسنده با دخل و تصرفی که در آن صورت داده آن را تبدیل به اثر دیگری کرده است که فقط نام آن کتاب را یدک می‌کشد.

در همین زمینه، بسیاری از دوستداران نوشته‌های جین آستین، نویسنده انگلیسی پس از تماشای فیلم غرور و تعصب با بازی کایرا نایتلی، نسبت به اقتباس سینمایی آن، عکس‌العمل منفی نشان دادند که در نتیجه فروش آن نیز خیلی پایین بود و به شکست تجاری فیلم منتهی شد و به سرعت از یادها رفت.

نوشته‌ای که در جای دیگر جواب می‌دهد و بخوبی جا می‌افتد، شاید برگردان سینمایی خوبی نداشته باشد و نتوان آن را به یک فیلم خوب تبدیل کرد. به همین دلیل هم فیلمنامه اقتباسی همیشه حکم یک کار خطرناک را دارد. در حقیقت تفسیر سینمایی یا تلویزیونی که از قصه یک رمان ارائه می‌شود، ارزش حیاتی و تعیین‌کننده دارد، اما برعکس دیگر جاهای دنیا بیشتر فیلمنامه‌های اقتباسی در اینجا نه فقط با استقبال مخاطب روبه‌رو می‌شوند بلکه موفقیت تجاری را هم به‌دست می‌آورند.

نگاه کارگردان

باید راهی برای امرار معاش نویسندگان پیدا شود

بهناز وفاپی وحدت

برزو نیک‌نژاد متولد ۱۳۵۴ شهر گرگان است. او فارغ‌التحصیل رشته سیستم‌های آبیاری و دانشجوی مهندسی است و از کودکی در انجمن نمایش گرگان در عرصه تئاتر فعالیت کرده است. او در مقام نویسنده و دستیار کارگردان در بسیاری از آثار فعالیت داشته است. نیک‌نژاد سریال دودکش را در مقام نویسنده و دستیار کارگردان در کارنامه خود دارد و در آخرین فعالیت خود با ارائه فیلم ناخواسته به‌عنوان نویسنده و کارگردان اثر ارزنده و فیلم قابل دفاعی را از خود در سی و دومین جشنواره فجر به یادگار گذاشت.

چرا هر وقت فیلم یا سریالی مورد توجه قرار نمی‌گیرد قبل از هر چیز می‌گویند: فیلمنامه آن ضعیف است؟ این که فیلمنامه به‌عنوان دستورالعمل کار چگونه ساختن یک اثر نمایشی را معین می‌کند درست است، این که فیلمنامه پایه و اساس و بستری است قبول، ولی اگر کسی روی میزی بایستد و میز بشکند، باید گفت میز بدی بود؟! یا این که باید گفت از میز بد استفاده شده؟ به یقین میز استفاده دیگری دارد، اگر فیلمنامه بد باشد



اکنون موقعیت فیلمنامه نویسان در تلویزیون را چگونه می‌بینید؟

چون فقط هر از گاهی دستی به قلم می‌برم، خیلی نمی‌توانم در این باره نظر بدهم ولی در همین گاه به گاه نوشتن، می‌توانم بگویم قطعاً فیلمنامه‌نویسان از موقعیت آرمانی برخوردار نیستند. البته تا موقعیت آرمانی را کدام موقعیت بدانیم! اما دست‌کم این را بدانید که دستمزد شش ماه تلاش شبانه‌روزی یک نویسنده خوب و تندنویس را یک بازیگر معمولی در دو ماه همراه با استراحت به‌دست می‌آورد! بودجه در همه چیز دخیل است، با بودجه می‌توان وقت خرید و با وقت می‌شود فیلمنامه‌ای بهتر نوشت، هر چند که در یک طرح دو میلیاردی سهم نویسنده حداکثر ۷۰ میلیون است که اگر نگویم سال ولی ماه‌ها وقتش را می‌گیرد.

آیا براساس دیدگاه برخی منتقدان و فعالان این

حوزه، نگاه تخصصی به فیلمنامه جای خود را به نگاه سلیقه‌ای داده است؟

همان‌طور که عرض کردم، قطعاً گاهی، که مقدارش هم کم نیست این اتفاق رخ می‌دهد. از اسم شخصیت‌ها و شغلشان بگیر، تا ملیت‌شان تا این که چه غذایی می‌خورند و... شما به اینها چه می‌گویید؟! این که بالاخره نویسنده چیزی را نوشته که تلویزیون خواهان آن است، یا سفارش‌دهنده به او سفارش می‌دهد تا کاری را بنویسد که برای مناسبت یا در راستای خواسته‌اش باشد. هر نویسنده‌ای تلاش خود را می‌کند تا در کنار جلب رضایت به هدفی که باید برسد دست یابد؛ ولی چگونگی رسیدن، اغلب سلیقه‌ای است. تغییر مدیریت‌ها هم خود مزید بر علت می‌شود. امروز مدیری که در جایگاه تصمیم‌گیری است نظری دارد که چون بخشی از آن بر مبنای سلیقه است، با آمدن مدیر جدیدی که جایگزین او می‌شود، سلیقه جدیدی نیز بر فیلمنامه اعمال می‌شود که خود به خود دوباره کاری است.

نظر تان درباره فیلمنامه‌نویسی گروهی چیست؟ کار گروهی می‌تواند به کیفیت بهتر فیلمنامه‌ها ختم شود؟ کار گروهی خیلی خوب است ولی برای هر کاری باید تمهیدی اندیشید. اول بهتر است راهی برای امرار معاش نویسندگانی که به تنهایی می‌نویسند پیدا شود، چون در صورت نگارش گروهی همین مبلغ هم باید بین چند نفر که گروه نویسندگان را تشکیل می‌دهند تقسیم شود!

یک نویسنده ممکن است در شروع کار از خود بپرسد ماده خام داستان چیست و براساس کدام بن‌مایه باید قصه را پیش برد؟

شاید در هنرهای دیگر به طرح این پرسش نیازی نباشد؛ زیرا پاسخ آن بدهی است. برای مثال آهنگساز با نت‌هایی سر و کار دارد که توسط یک ساز نواخته می‌شود. مجسمه‌سازان سنگ را می‌تراشند. نقاشان رنگ‌ها را به هم می‌آمیزند. یک طراح لباس پارچه‌هایی را که در اختیار دارد در چپش خاصی به شکل مورد نظر خود نزدیک می‌کند. به عبارت دیگر همه هنرمندان می‌توانند ماده خام هنر خود را در فرمی ملموس نشان دهند بجز نویسندگان. زیرا در هسته داستان ماده‌ای شبیه انرژی نهفته در یک اتم وجود دارد که هرگز نمی‌توان آن را مستقیم و بدون واسطه تماشا کرد، شنید یا لمس کرد. این ماده تنها شناخته و درک می‌شود، اما نامحسوس است.

گرچه ممکن است نویسندگان از اصطلاحاتی مانند این که کلمات را می‌بینند، داستان را لمس می‌کنند و نظایر آن استفاده کنند، اما همه این تعبیرها و تفسیرهای استعاری صرفاً دلیلی بر درک موقعیت‌های داستان و عجزین شدن روح قصه با نگارنده آن است. از این رو ماده خام نویسنده زبان نیست، بلکه زبان همانند رسانه‌ای برای داستانگویی مورد کاربرد است. در حقیقت چیزی به مراتب عمیق‌تر و بنیادی‌تر از کلمات است که در قلب داستان می‌تپد و در قطب دیگر داستان نیز رکن دوم و به همان اندازه بنیادی و عمیق داستان نهفته است؛ یعنی واکنش مخاطب به این ماده خام.

در واقع وقتی به این فکر می‌کنیم، رفتن به سینما کاری بس عجیب می‌نماید. چرا افراد در سالن تاریک سینما و با صرف هزینه به تماشای عواطف و مناسباتی می‌نشینند که در زندگی روزمره‌شان از آن فرار می‌کنند؟ برآستی منبع نیروی داستان کدام است؟ چگونه چنین تمرکز فکری و عاطفی شدیدی را در مخاطب ایجاد می‌کند؟ نحوه عمل داستان‌ها چگونه است؟ پاسخ این پرسش‌ها زمانی داده می‌شود که هنرمند به بررسی ذهنی و درونی فرآیند خلاقه می‌پردازد. برای درک ماده خام داستان و نحوه عمل آن باید کار خود را از درون به بیرون یعنی از درون شخصیت داستان خود ببینید. به عبارت دیگر باید دنیا را از چشم شخصیت‌های داستان تماشا کنید و داستان را به نحوی تجربه کنید که گویی خودتان آن شخصیت داستانی هستید. در این حالت رفتاری قابل انتظار از او سر خواهد زد و در مسیری

گام برمی‌دارد که نزدیک

به ویژگی‌های رفتاری

نویسنده است. برای

دست یافتن به این

نقطه دید ذهنی

و بشدت تخیلی

لازم است به

این مخلوقی

که قرار است در

آن ساکن شوید،

یعنی شخصیت

نگاه عمیق‌تری بکنید.

البته بهتر است او را قهرمان

خطاب کنیم، زیرا گرچه قهرمان نیز

شخصیتی است همچون دیگران،

اما به‌عنوان نقش اصلی و

مرکزی باید او را تجسم

تمام وجود شخصیت

به معنای مطلق آن

تصور کنیم.

دنیای منحصر به فرد تله فیلم

فیلم‌های تلویزیونی ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص خود را دارند

میثم اعلائی

فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی دارای نقاط اشتراک و برخی ویژگی‌هایی انحصاری است که گاه در شناخت آنها خلط مبحث صورت می‌گیرد، یا ویژگی یکی به دیگری نسبت داده می‌شود. اگر به تفاوت‌های رسانه‌ای فیلم تلویزیونی و فیلم سینمایی واقف باشیم، شاید بهتر بتوانیم در تشخیص یک تله‌فیلم موفق از یک فیلم ویدئویی یا سینمایی موفق به مسیر درستی هدایت شویم.

فیلم تلویزیونی، سینمایی و البته ویدئویی، در یک نقطه کاملاً مشترک هستند؛ این که باید در زمانی محدود و مشخص، روایتگر یک قصه در قالب اثری تصویری، داستانی و نمایشی باشند. در واقع فیلم تلویزیونی یا سریال تلویزیونی یا مجموعه اپیزودیک تفاوت دارد و از سویی با تله‌تئاتر از لحاظ ضبط و محدودیت بصری متفاوت است.

خاصیت سرگرم‌کنندگی می‌تواند در فیلم تلویزیونی و سینمایی مشترک باشد و این گونه نیست که هر فیلمی که برای تلویزیون ساخته شود، لزوماً باید سرگرم‌کننده باشد، گرچه به واسطه مخاطبان گسترده این رسانه، فیلمی که برای نمایش در تلویزیون ساخته می‌شود، باید بتواند با طیف گسترده‌تری از مخاطبان ارتباط برقرار کند.

این که فیلم سینمایی می‌تواند تفکربرانگیز باشد و فیلم تلویزیونی لزوماً نباید وارد مباحث اندیشه‌ای شود نیز از آن انحرافات است که در تعریف این دو مقوله معمولاً به اشتباه از آن به‌عنوان یک نقطه افتراق نام برده می‌شود! آنچه مسلم است یک اثر نمایشی داستانی می‌تواند صرفاً سرگرم‌کننده باشد و می‌تواند احساسات و ذهن مخاطب را به شکلی دیگر به کار گیرد و این، به تلویزیونی یا سینمایی بودن یک فیلم ربطی ندارد.

سایر مواردی که قرار است روی کاغذ اتفاق بیفتد، غالباً در این دو مقوله به‌عنوان لازمه تولید یک اثر مطلوب داستانی باید از انسجام و قوت لازم برخوردار باشد. به‌عنوان مثال هیچ‌گاه قرار نیست شخصیت‌پردازی یا دیالوگ‌نویسی را نکته بارز یک فیلم سینمایی دانست و این گونه عنوان کرد که این موارد برای فیلم تلویزیونی ویژگی به حساب نمی‌آید! بی‌شک روایت داستانی، شخصیت‌پردازی و دیالوگ‌نویسی به‌عنوان شاخصه‌هایی که به باورپذیری یک اثر کمک می‌کند، آن قدر جدی و موثر است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

اما جدای از این اشتراکات، باید به ویژگی‌هایی اشاره کرد که به واقع می‌تواند از منظر رسانه‌ای و مخاطب‌شناسی، میان این دو مقوله فاصله ایجاد کند و دو راه مختلف را برای سازندگان فیلم تلویزیونی و سینمایی ترسیم کند.

در دنیای رسانه، گرچه قدمت تئاتر از سینما و سینما از تلویزیون بیشتر است، اما امروزه هم تئاتر دارای جایگاه است هم تله‌تئاتر. با وجود فراگیر شدن ویدئو، ماهواره، تلفن همراه، اینترنت، ست‌آپ باکس و سایر ابزار ارتباطی مدرن، هم پرده و سالن سینما مردم دنیا را درگیر کرده و هم شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و مجازی. پس این گونه نیست که با ورود رسانه‌های مدرن جا برای فعالیت رسانه‌های قدیمی‌تر تنگ شده باشد، چرا که اگر این گونه بود باید رادیو، سالن‌ها پیش‌کنار می‌رفت. البته در این میان باید بین «ابزار» و «رسانه» تفاوت قائل شد. قطعاً با مدرن شدن ابزار، ابزار کهنه کنار می‌رود، اما رسانه باقی می‌ماند. به‌عنوان نمونه، گیرنده‌های تلویزیونی قدیمی، امروز جای خود را به ابزار پیشرفته و دیجیتال داده، ولی رسانه تلویزیون سر جای خود باقی مانده است. همین قضیه را می‌توان در ابزار تولید یک فیلم تلویزیونی نیز در نظر گرفت. شناخت ابزار در تولید یک فیلم تلویزیونی، قطعاً به روزآمدی اثر و ارتباط بهتر مخاطب کمک خواهد کرد، اما شناخت قواعد و تکنیک تولید اثر بسیار مهم‌تر از به‌کارگیری ابزار خواهد بود.

اندازه قاب، شاید مهم‌ترین نکته‌ای باشد که به‌عنوان نقطه تفاوت بین دو رسانه تلویزیون و سینما مطرح است. شاید یک مثال تئاتری هم بتواند این میزان تفاوت را بیشتر نمایان کند. آیا هیچ‌گاه دقت کرده‌اید هنگام تماشای یک تئاتر، با این که نمای نزدیکی از چهره یک بازیگر دیده نمی‌شود و لوکیشن‌ها به شکل قراردادی در یک محیط بسته قرار گرفته، چقدر تماشاگر در اجرای یک تئاتر حضور دارد؟ چقدر انرژی می‌گذارد و در اجرای یک نمایش مشارکت دارد؟ این میزان تفاوت را می‌توان در مقایسه تلویزیون و سینما هم سراغ گرفت. نمای باز بر پرده سینما یک معنا می‌دهد و در قاب تلویزیون اصلاً شاید نتواند به فضا سازی منجر شود. نمای بسته در سینما می‌تواند پیچیده‌ترین حس‌ها را در کمترین لحظه‌ها به مخاطب انتقال دهد، اما در تلویزیون - که همه حواس مخاطب را درگیر نمی‌کند - این اتفاق رخ نمی‌دهد. تفاوت‌های تکنیکی در ساخت فیلم تلویزیونی و سینمایی، سایر نکات فنی - از تصویربرداری گرفته تا

نورپردازی، صداگذاری و صداگذاری و حتی گاه موسیقی و تدوین - راتحت تاثیر قرار می‌دهد. در اینجا قطعاً همان‌طور که اشاره شد شیوه بازی بازیگران نیز متفاوت خواهد بود. یکی از ویژگی‌های اثر سینمایی، فرهنگ و آدابی است که تماشاگر هنگام تماشای فیلم در سالن سینما باید رعایت کند و این که در نهایت سکوت و در یک سالن تاریک، تمام تمرکز و حواس خود را به دیدن یک فیلم بدهد، اما در مواجهه با فیلمی تلویزیونی، قطعاً به سالن تاریک و رعایت سکوت نیاز چندانی نیست. از آن سو، خاصیت سری فیلم‌های تلویزیونی می‌تواند در سرعت تولید و پخش آنها و روزآمدی فضای داستانی باشد که کارکرد رسانه‌ای بیشتری به آن می‌دهد و فیلم تلویزیونی را از فیلم سینمایی (با کارکرد هنری - صنعتی بیشتر) جدا می‌کند.

اگر از دیگر تفاوت‌های میان فیلم تلویزیونی و سینمایی مانند بافت تصویری، تفاوت برنامه‌ریزی در تولید و... بگذریم، باید به ماندگاری این رسانه‌های مکمل در کنار یکدیگر اشاره کرد.

بی‌شک فیلم تلویزیونی را نه باید صرفاً به‌عنوان دست‌گرمی جوانان برای ساخت فیلم‌های سینمایی در نظر گرفت و نه آن را حیطه خلوت فیلمسازان سینمایی دانست. فیلم تلویزیونی بیش از هر چیز، نیازمند حضور فیلمساز تلویزیونی پشت دوربین است؛ فیلمسازان متبحری که اولویت‌شان فعالیت در تلویزیون باشد، رسانه و مخاطب تلویزیونی را بخوبی بشناسند و بتوانند کارهای خلاقانه، جذاب و پرشماری را در فواصل زمانی کم تولید کنند.

در سال‌های اخیر، هم در بخش خصوصی تهیه‌کنندگان نسبت به تولید فیلم تلویزیونی توجه نشان داده و هم شبکه‌های مختلف و هم سینما فیلم از این مقوله حمایت کردند. توجه مدیران تامین برنامه در شبکه‌های مختلف نسبت به پخش تله‌فیلم‌های ایرانی به جای فیلم‌های خارجی نیز قطعاً در رونق تولید فیلم‌های تلویزیونی تأثیر مثبت داشته است. علاوه بر این، باید تأثیر مثبت برپایی جشنواره‌ها را هم در نظر داشت؛ تأثیری که باید بتوان در ارتقای کیفیت فیلم‌های تلویزیونی آن را مشاهده کرد.



گزارش پشت صحنه انیمیشن «بوستان سعدی»

از داستانی خواندنی تا انیمیشن دیدنی

رضوان اناری



دفتر کار هر گروه انیمیشن دو بعدی پر است از قفسه‌های کاغذ که تک‌تک شخصیت‌ها، پس‌زمینه‌ها، لوکیشن‌ها، استوری‌برد و حتی زاویه‌های مختلف تصویر هر شخص در آن طراحی شده است؛ همین مساله باعث می‌شود با اتاقی شلوغ و کمدهای متعدد کاغذ مواجه شویم. انیمیشن بوستان سعدی نیز از این قاعده مستثنا نیست. اولین چیزی که در ورود به محل تولید این انیمیشن تلویزیونی به چشم می‌خورد، اتاقی بزرگ و دوبلکس با سقف‌هایی بلند است که دور تا دور آن با فریم‌هایی از سری دوم انیمیشن «بوستان سعدی» پوشیده شده است؛ این اتاق در طبقه دوم یکی از ساختمان‌های صبا قرار دارد و گروه تولید بوستان سعدی، به مدت دو سال مشغول به کار بوده تا این انیمیشن آماده پخش شود و اگر کارهای پس‌تولید آن بخوبی پیش رود، نوروز امسال روی آنتن خواهد رفت.

دومین چیزی که در اتاق تولید به چشم می‌خورد، تعداد زیادی میز کار است که هر یک به تخته شاسی‌های قابل تنظیم، تجهیزات نور و انواع و اقسام مداد و کاغذ مجهز است. روی هر میز هم به فراخور روحیات و شخصیت انیماتوری که روی آن کار می‌کند، گلدان، عروسک یا دیگر وسایل تزئینی قرار داده شده است. با این کار در مراحل پایانی تولید است، هنوز هم چند نفری به کار مشغولند تا داستان‌های بوستان سعدی را برای آخرین بار چکش کاری کنند.

جان بخشی به شخصیت‌های بوستان

ملوس مراد، کارگردان و تهیه‌کننده سری دوم بوستان سعدی است؛ او از سال ۷۳ تا به حال در کار انیمیشن بوده است. در دفتر کار مراد که با چند پله از محل تولید جدا می‌شود، مشغول به صحبت می‌شویم. او درباره این انیمیشن توضیح می‌دهد: بوستان سعدی، حکایت‌های بوستان سعدی است و هر قسمت داستان‌های خاص خودش را دارد. سعی کردیم هیچ تحریفی نشود و همان حکایت از بوستان سعدی به انیمیشن تبدیل شود؛ البته در حدی که بتواند برای کودکان و نوجوانان جذابیت بیشتری داشته باشد به آن شاخ و برگ دادیم و گرنه موضوع را عوض نکردیم. به همین دلیل در تولید هر قسمت از بوستان سعدی، اشعار سعدی همیشه در کنارمان بوده است و تمام بیت‌ها و مصرع‌های آن را مد نظر قرار دادیم. مراد اشاره‌ای هم به سری اول این انیمیشن می‌کند: در بوستان سعدی ۱۱ بیت‌های کتاب در کار استفاده می‌کردیم، یعنی به قدری داستان مطابق با حکایت بود که دقیقاً می‌توانستیم خود بیت را در کنار داستانی که به انیمیشن تبدیل کرده بودیم بخوانیم. در بوستان ۲ این ابیات در تیتراژ نهایی آورده می‌شود. در بوستان ۲، تیتراژ و موسیقی پایانی با توجه به موضوعات متفاوت است، ولی تیتراژ اولیه یکسان است.

او می‌گوید: در بوستان سعدی، ویژگی‌های شخصیت‌های ایرانی را نشان دادیم. مثلاً چشمان درشت، ابروهای پیوسته و صورت بیضی مانند که در نقاشی ایرانی زیاد است، ولی ما عیناً نقاشی ایرانی استفاده نکردیم، بلکه المان‌ها آن را با شخصیت‌هایمان تطبیق دادیم. به دلیل همین شباهت، وقتی کودکان ما انیمیشن بوستان سعدی را ببینند، انگار کتاب بوستان سعدی را خوانده‌اند چون تحریف و تغییری نداده‌ایم.

این کارگردان از تغییر سلیقه کودکان ایرانی هم ابراز نگرانی می‌کند: متأسفانه بچه‌های ما دنبال اکشن‌های خاصی هستند. انیمیشن‌هایی مثل بن‌تن که نه محتوا و نه موضوعات داستانی دارد. فقط اکشن‌هایی دارد که بچه‌ها به سمتش کشیده می‌شوند. متأسفانه ما نمی‌توانستیم این اکشن‌ها را در بوستان سعدی بیاوریم؛ مگر این که تغییر

می‌کنند جان می‌دهد. او توضیحاتی درباره روند فنی کار ارائه می‌کند که به دلیل تخصصی بودن، چیز زیادی از آن را متوجه نمی‌شوم.

پناهی می‌گوید: این کار، دو بعدی است. رئال است. تکنیک آن هم متعلق به زمان سعدی است که لباس‌ها، وسایل و سبک خانه‌ها متعلق به همان سده است. در هر قسمت یک داستان روایت و نتیجه‌گیری می‌شود. ۱۳ داستان مختلف است که طی یک سریال در بوستان ۲ آماده می‌شود.

او با اشاره به فریم‌های داخل نرم‌افزار توضیح می‌دهد: این طرح‌ها فریم به فریم کشیده شده است، اما تکنیک‌هایی داخل نرم‌افزار داده شده و لازم نیست برای هر حرکت کل بدن کشیده شود. هر شخصیت می‌تواند مجزا و هر قسمت مثل دهان، دست و چشم می‌تواند در یک لایه جدا طراحی شود. پناهی با تأکید بر این که همه فریم‌های کار دو بعدی روی کاغذ کشیده می‌شود به چند کمد بزرگ پر از کاغذ اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: نتیجه‌اش می‌شود این همه کاغذ برای سه یا چهار قسمت، اما در سه‌بعدی هر گز از کاغذ استفاده نمی‌شود، همه کار از طراحی تا انیمه با نرم‌افزار انجام می‌شود.

مسئول فنی بوستان سعدی از خروجی کار راضی است و می‌گوید: خروجی کار، خوب و راضی‌کننده است. البته وقتی صدا و موسیقی هم بیاید ۴۰ درصد به کیفیت کار اضافه می‌شود یعنی بدون صدا و موسیقی ۶۰ درصد کار را متوجه می‌شوید و ممکن است برخی حرکات را متوجه نشوید که با آمدن موسیقی و صدا تازه می‌فهمید کار چگونه است.

شخصیت اول انیمیشن، پول بیشتری نمی‌گیرد

نگین طاهری، مدیر تولید بوستان سعدی نیز روی یک سیستم دیگر مشغول کار است. او می‌گوید: تولید هر کاری، فرسایشی است اما تولید انیمیشن - اگر بخواهیم خودخواهانه نگاه کنیم - حس خدایی به فرد می‌دهد. یعنی یک انیماتور می‌تواند به شخصیت جان دهد. اولین تستی که هر کس از جان گرفتن شخصیتش می‌بیند او را در این حوزه پابند می‌کند. من یک هنرپیشه نیستم که چهره‌ام جذاب باشد، اما توانایی دارم یک کاراکتر روی کاغذ بکشم و به آن جان بدهم. این خیلی اغواکننده است و آدم را در این حیطه نگه می‌دارد.

طاهری درباره بوستان سعدی توضیح می‌دهد: ما یک دستورالعمل داشتیم و آن به تصویر کشیدن شعرهای سعدی بود. از نظر من ایرانی، این کار، کار ارزشمندی است. برخی جوانان ایرانی الان حوصله ندارند کتاب و شعر بخوانند. این کار باعث می‌شود حداقل با ادبیات آن آشنا شوند و آن را درک کنند.

پس از این توضیحات، نگین طاهری من را به کارگاه تولید می‌برد. همه بخش‌ها را به من نشان می‌دهد و برای هر بخش توضیحاتی می‌دهد که باعث می‌شود از ابتدا کار را در ذهنم مجسم کنم.

دفترها و فایل‌های زیادی وجود دارد که شامل استوری‌برد، دیالوگ‌ها، حرکات دوربین و زاویه‌های مختلف شخصیت‌ها در آنها نوشته و به تصویر کشیده شده‌اند تا نماها سلیقه‌ای نشود و از پشت، جلو و پهلو یکسان باشد. او دفتری را باز می‌کند که تعداد زیادی شخصیت در آن کشیده شده است. وقتی از تعداد کل کاراکترها از او می‌پرسم، می‌گوید: شخصیت‌ها در هر قسمت جدید می‌شوند، اما تعدادی از آنها مثل نگهبان‌ها را توانستیم تکراری استفاده کنیم.

طاهری در ادامه می‌گوید: ابتدا این مشکل را داشتیم که انیماتورها می‌پرسیدند اگر من شخصیت اول را بکشم پول بیشتری می‌گیرم؟ در صورتی که همه شخصیت‌ها در انیمیشن مثل هم هستند و همه شخصیت‌ها برای حرکت و انیمیت شدن به فریم‌های یکسانی نیاز دارند و از این لحاظ بین کاراکترهای انیمیشن فرقی نیست.

او در یک دفتر دیگر، اتودهایی را نشان می‌دهد که دیالوگ‌ها در کنار استوری‌برد نوشته شده‌اند؛ دفتر دیگری هم وجود دارد که ابتدای حرکت را ثبت کرده تا انیماتور بداند حرکت را از کجا شروع کند. به گفته طاهری، بعد از آن وظیفه بینوین و طراح میانی است که ادامه حرکات را طراحی کند.

مطرح می‌کرد و ما برای این که به آن موضوع برسیم باید خیلی شاخه‌پردازی می‌کردیم یا زمان برخی از آنها براساس ده تا ۱۲ دقیقه گنجایش نداشت؛ یعنی یا بیشتر بود یا کمتر. او ادامه می‌دهد: مساله دوم این بود که حکایت‌های مشابه یکدیگر را انتخاب نکنیم. بعضی حکایت‌ها بود که یک موضوع را تکرار می‌کرد و باعث می‌شد مخاطب خسته شود، در حالی که ما می‌خواستیم پندهای متفاوتی داشته باشیم. سومین مساله به این مربوط می‌شد که پندها در همه جهات باشد، هم درباره مشکلی که در اجتماع به وجود می‌آمد، هم حاکم، هم اشخاص و حتی منطقی بودن یک حاکم.

مراد درباره فضا سازی می‌گوید: همه فضا سازی‌ها براساس قرن هفتم انجام شده است، ولی می‌خواستیم این مساله را به زمان حال ارتباط دهیم. حتی موسیقی را طوری ساختیم که بچه‌ها به سمت انیمیشن جذب شوند، بنابراین نمی‌توانستیم موسیقی را با ریتمی آرام تولید کنیم یا فقط از سازهای ایرانی استفاده کنیم.

این کارگردان توضیح می‌دهد: ما تحقیق کردیم که در آن زمان پوشش افراد چگونه بوده، البته یک‌سری ممنوعیت‌هایی هم داشتیم مثلاً خانم‌های آن زمان پوشش الان را نداشتند. روسری روی سر خانم‌ها گذاشته‌ایم، بلکه طراحی‌های زیادی انجام شد تا به نتیجه درستی برسیم یا در آن زمان شیشه نبوده، به همین دلیل طرف‌ها را به حالت سفالی طراحی کردیم نه چینی.

این همه کاغذ برای سه چهار قسمت

بعد از این توضیحات مفصل کارگردان، به محل تولید انیمیشن برمی‌گردم؛ جایی که ابراهیم پناهی، مسئول فنی مشغول کار با نرم‌افزار ایکس - شیت است و به چند کاراکتر از بوستان سعدی که در باغی جمع شده‌اند و صحبت



خوانش اشعار بهاری در «غزلنامه بهار»

هم حضور داشت. من با کار شعر خوانی برای گویندگی در رادیو انتخاب شدم. حتما می‌دانید قدیمی‌ها به شعر خیلی اهمیت می‌دادند. گوینده‌ای اگر توانایی خواندن شعر نداشت، هرگز خودش هم مرتکب این اشتباه نمی‌شد که شعر بخواند. من همیشه در کار شعر مطالعه می‌کردم چون علاقه‌مند بودم شعرها را درست بخوانم و درست بفهمم. نکته اصلی اینجاست یک شعری را ممکن است ظاهراً همه بخوانند و هر کسی هم برداشتی از آن داشته باشد که ممکن است یکی از آنها درست باشد و بعضی‌ها نادرست. من اگر متوجه معنای شعری نشدم چند بار آن را می‌خوانم، از دیگران می‌خواهم غلط‌ها را تصحیح کنند و بعد شعر خوانی می‌کنم. کسی که بخواند شعری اجرا بکند باید مطالعه کند.

نوری در تکمیل صحبت‌های پاک‌نشان ادامه می‌دهد: آموزش و دیدن دوره و کلاس در این راه مهم‌ترین کار است، اما مطالعه اصل است. پیشنهاد می‌کنم گویندگان کتاب «وزن شعر» روانشاد خانلری را حتماً بخوانند.

پاک‌نشان می‌گوید اواخر دهه ۴۰ کار خود را با گویندگی در مرکز گرگان و با گویندگی بخش‌های خبری شروع کرده، در عین حال که مجری برنامه‌های ادبی رادیوگران هم بوده است. از بین صد نفر انتخاب شده و بعد از قبولی از یک آزمون دشوار با همراهی نوری، کار خود را با برنامه سلام بامداد آغاز کرده و جالب آن که به مرور یکی از دو گوینده ثابت این برنامه شده است.



تنظیم موج

علاقه‌مندان اشعار بهاری رادیو می‌توانند برنامه غزلنامه بهار کاری از گروه فرهنگ رادیو ایران را از دوم فروردین ساعت ۸ و ۳۵ دقیقه به مدت ۳۰ دقیقه تا پانزدهم فروردین بشنوند.

خانلری را که تازه چاپ شده بود کار می‌کرد و یاد می‌داد. یادم هست آن دوره مجله سخن را که مطلب خانلری در آن منتشر شده بود، خرید و آن را به من هدیه کرد. من از همان زمان با شعر کاملاً مانوس شدم که این علاقه تا امروز که ۵۵ سال از آن زمان می‌گذرد، با من بوده است و شعر و ادبیات را عاشقانه دوست دارم. من طی سال‌های فعالیتیم، حدود یک سال و نیم خبر خواندم، اما چون از نظر روحی و روانی خیلی راضی نمی‌شدم و عشق و علاقه‌ام، شعر و ادبیات بود، به رادیو برگشتم!

پاک‌نشان هم در ادامه صحبت‌های نوری می‌گوید: در این سال‌ها، هر جا در رادیو سخن از شعر بود، آقای نوری

و استقبال از بهار، هر چه بگویم کم گفته‌ایم. نوری ادامه می‌دهد: خوشبختانه همه شاعران در سرزمین ما، غزل‌های بهاری و نروزی گفته‌اند و برای زیبایی‌های طبیعت، شعر سروده‌اند. پاک‌نشان به الحان گوناگون ابیات اشاره می‌کند و می‌گوید: معمولاً هر شعری لحن خاص خودش را دارد و بهتر است گوینده مطالعه داشته باشد و لحن خوانش اشعار را تشخیص بدهد. نوری هم می‌گوید: سرودن، هنر شعر است. گوینده باید مطالعه داشته باشد و پیام شعر را به طور کامل درک کند. انتقال این پیام هم به هنر گوینده بر می‌گردد. هر پیامی لحن خودش را دارد. فقط ما باید بدورستی آن را تشخیص بدهیم و برای انتقال این پیام لحن مناسب خودش را استفاده کنیم.

نوری در ادامه از دوره نوجوانی می‌گوید: راستش زمانی که در دوران دبیرستان تحصیل می‌کردم چون ادبیاتم خوب بود، شعر هم می‌گفتم. سر کلاس ادبیاتمان که استادش ناظم دبیرستان هم بود، غزلی خواندم. ایشان خیلی خوشش آمد و از کارم استقبال کرد. در اوقات فراغت و وسط زنگ با من تقطیع شعر استاد

زهره زمانی

در روزهایی که شبکه‌های مختلف رادیویی به مناسبت ایام نوروز ویژه برنامه‌های متنوعی تدارک می‌بینند و تهیه‌کننده‌ها و گوینده‌ها در تب و تاب برنامه‌سازی برای نوروز ۹۳ هستند، سراغ یکی از این برنامه‌ها می‌روم. اینجا استودیوی ضبط برنامه «غزلنامه بهار» کاری از گروه فرهنگ رادیو ایران است. وقتی داخل استودیو می‌شوم، متوجه می‌شوم سرور پاک‌نشان و امیر نوری، گویندگان قدیمی برنامه‌های رادیویی مشغول خواندن ابیاتی از حافظ هستند. استاد نوری می‌خواند: ایام بهار است و گل و لاله و نسرين / از خاک بر آید تو در خاک چرایی؟ و سرور پاک‌نشان این طور ادامه می‌دهد: چون ابر بهاران بروم زار بگیرم / بر خاک تو چندان که تو از خاک بر آیی.

در فرصتی که پیش می‌آید، خودم را پشت اتاق شیشه‌ای می‌رسانم و بعد از احوالپرسی با سرور پاک‌نشان و امیر نوری باب گفت‌وگو را باز می‌کنم. پاک‌نشان می‌گوید: برای عید نوروز برنامه شعر خوانی

در حالی که گوینده‌ها اشعار بهاری را قرائت می‌کنند، با ریحانه یزدان‌دوست تهیه‌کننده و نویسنده ویژه برنامه نروزی غزلنامه بهار همکاری می‌شوم. او می‌گوید: به هر حال نوروز، بهار، نو شدن و زایش دوباره، از مضمون‌های مهمی هستند که در ادبیات ما وجود دارد و شاعران ما چه از قدما و چه از متاخران راجع به نوروز، بهار و فروردین اشعار بسیار زیبایی سروده‌اند، بنابراین در زمانی که نوروز و بهار است و همه جا صحبت از تازه شدن، خوانش اشعار به صورت قصیده و غزل برای ما ایرانی‌ها، ضروری است!

یزدان‌دوست ادامه می‌دهد: در این برنامه از همه شاعرانی که در وصف بهار شعر سروده‌اند، اشعاری انتخاب و خوانده می‌شود. از مولوی گرفته تا سعدی، حافظ، فرخی سیستانی، فریدون مشیری، هوشنگ ابتهاج، محمد رضا شفیعی کدکنی و سهراب سپهری که شعرهای نو سروده‌اند. در غزلنامه بهار، اشعاری از تمام شعرای بنام، چه قدما و چه متاخران خوانده می‌شود.



یادداشت

غزلنامه‌ای به رنگ بهار

بهار پیشکش مردمان بهاری دل این زادبوم می‌کنند. بی‌گمان دوستداران ادب دیر پای این سرزمین، در هر کوی و برزن و در اولین ساعات پرتو افشانی آفتاب عالم تاب، با ویژه برنامه غزلنامه بهار، خاطره‌ای دلنشین از رادیو ایران را به همراه خواهند داشت. قطعات موسیقی بی‌کلام و با کلام، اشعار شیرین نروزی با صدای خاطره‌انگیز گویندگان نام‌آشنای رادیو ایران، تحفه‌ای است ارزشمند نثار شما، شنوندگان شوریده و شیدای رسیدن لحظه‌های سبز بهار.



منوچهر فیضیان
مدیر گروه ایران و فرهنگ رادیو ایران

صدای پای بهار که می‌آید، بلبل و قمری به ترانه نغمه سر می‌کنند و باغ و صحرا، تماشاگاه سبزه و شبنم و شکوفه می‌شود. این گونه است که راویان و حکایت‌گویان و سرود خوانان رادیو ایران به رسم هر ساله، در صبحگاهان پرتراوت فروردین با نوای خوش استادان موسیقی و نیز صدای گرم و آشنای گویندگان قدیمی همچون سرور پاک‌نشان و امیر نوری، غزلنامه‌ای به رنگ

سلام رادیویی به خورشید

تسبیح باران با هدف نشر فرهنگ و آموزه‌های قرآنی روی آنتن می‌رود

مریم کریمی



عقر به‌های ساعت استودیو ۴ صبح را نشان می‌دهد. برنامه تسبیح باران با شکرانه و نیایش به درگاه حق تعالی آغاز می‌شود. گوینده سخنان خود را این‌گونه شروع می‌کند: «طنین نام تو را آواز می‌دهند هر چه باد و هر چه رود، این جاذبه بی‌پایان مرا به‌سوی خویش می‌خواند، باید ذکر بگویم تا شاید کلمات، این آیه‌های نجات آرام کند... می‌ایستم بر بلندای دریچه‌های رحمت که بر گلدسته نیاز باز شده است.» پخش آواهای روح‌بخش و جان‌نواز در بخش‌های مختلف برنامه، روح و روان هر شنونده‌ای را صیقل می‌دهد.

در بخش فصل انتظار از این برنامه، گوینده چنین زمزمه می‌کند: مولا! لحظه‌های انتظار را ورق که می‌زنم، پر از یاد تو می‌شوم، پر از یاد خوبت ای مولای همه چشم انتظاران. مولا جان! مهدی جان کدام گل را ببویم، وقتی جز عطر تو نمی‌یابم، کجا بروم تا نشانی از تو بیابم.

اعظم‌السادات ابراهیمی، تهیه‌کننده درباره ویژگی‌های این برنامه می‌گوید: برنامه تسبیح باران با موضوع عرفانی، ادبی و مذهبی هر روز از ۴ صبح به مدت ۲ ساعت روی آنتن شبکه رادیویی تهران می‌رود. این برنامه با هدف نشر فرهنگ و مفاهیم و آموزه‌های قرآنی و فراهم‌سازی زمینه‌های رشد و توسعه فرهنگ قرآنی و انس با قرآن تهیه و تدارک دیده شده است. از بخش‌های این برنامه می‌توان به دلتوشته‌های عاشقانه با خدا و آشنایی با صحیفه سجادیه و تفسیر آن اشاره کرد.

تهیه‌کننده تسبیح باران به دیگر بخش‌های این برنامه اشاره می‌کند و می‌افزاید: عارفانه‌های عاشقانه در بخش قطره و دریا و غزلیات حافظ با صدای حسین آهی از بخش‌های شنیدنی برنامه است که همراه با موسیقی، حال و هوای دیگری به این برنامه می‌دهد. در بخش قطره و دریا که با مضمون عشق عرفا به خدا و عرفان تهیه شده، کاظم محمدی، کارشناس این بخش با شنوندگان رادیو تهران همراهی می‌کند. در بخشی با عنوان رنگ خدا با موضوع چگونگی ارتباط نزدیک‌تر و بیشتر با خدا با شنونده‌ها صحبت می‌شود.

ابراهیمی می‌گوید: تلاش ما راضی کردن مخاطب است، بنابراین ما از بخش‌های طولانی و کارشناسی که به‌روز نیست استفاده نمی‌کنیم. در این برنامه



مخاطبان گسترده شبکه‌های نو

فرشید محبی

یکی از ویژگی‌های رسانه‌های رادیو، گستردگی طیف مخاطبان این رسانه، دسترسی آسان‌تر به آن و توجه به سلیق مختلف براساس این میزان دسترسی است. در واقع اگر شما برای دیدن یک فیلم سینمایی با مخاطبان محدودی روبه‌رو باشید، در محیط یک خانه، مخاطبان برای شنیدن برنامه‌های رادیویی دلخواه‌شان، با انتخاب‌های متنوع و گسترده‌تری روبه‌رو خواهند بود و هر کس می‌تواند با بهره‌گیری از یک ابزار رادیویی شخصی به شنیدن برنامه موردنظر خود مشغول شود.

یکی از شبکه‌هایی که تاکنون روی راه‌اندازی آن فکر نشده بود، اما می‌توان نسبت به میزان توفیق آن خوشبین بود، رادیو گلچین است که به عنوان جدیدترین شبکه رادیویی معاونت صدا، کار خود را آغاز کرده است؛ شبکه‌ای که کارکردی مثل بسیاری از سایت‌های اینترنتی دارد و مهم‌ترین برنامه‌های دیگر شبکه‌های رادیویی را گلچین می‌کند و روی آنتن می‌برد. یعنی همان کارکردی که بسیاری از سایت‌های فعال و پربیننده شبکه‌های مجازی از آن برخوردارند و به دلیل تجمع اخبار مهم سایر رسانه‌ها گاه بیش از سایر رسانه‌ها، مورد بازدید قرار می‌گیرند. رادیو گلچین هر روز در ساعاتی از رادیو فصلی، از ساعت ۲۱ تا ۶ بامداد روز بعد، به پخش منتخبی از برنامه‌های دیگر شبکه‌های رادیویی می‌پردازد و می‌تواند مخاطبان تازه‌ای را با خود همراه کند.

شبکه صبا نیز شبکه رادیویی دیگری است که پخش برنامه‌های خود را آغاز کرده و از آنجا که سرگرم‌کنندگی یکی از ویژگی‌های این شبکه رادیویی است، بازپخش برخی برنامه‌های ماندگاری که وجه سرگرمی دارد و نیز از کیفیت مناسبی برای پخش برخوردار است، در جدول پخش این شبکه قرار گرفته است.



این شبکه در اولین اقدام خود قرار است مجموعه معمایی «جانی دالر» را که سال‌ها پیش در رادیو پخش شده بود، با صدای بزرگانی چون پرویز بهادر، حیدر صارمی، حمید عاملی، فرهنگ مهرپرور و... با اندکی ویرایش به عنوان هدیه نوروزی به شنوندگان رادیو روی آنتن ببرد.

با این اوصاف، اگر عرضه و تقاضا را با توجه به مختصات کارکرد رسانه‌های رادیو در نظر بگیریم، باید به این نکته توجه کنیم که رادیو می‌تواند به تعداد طیف‌های بی‌شمار مخاطبان، به ایجاد شبکه‌هایی اقدام کند و قدرت انتخاب شنوندگان را محک بزند و بالا ببرد و باید از توسعه نوین شبکه‌های رادیویی استقبال کرد.

برنامه با راز و نیازها و قرائت صحیفه سجادیه با کارشناسی کاظم رجبعلی ادامه می‌یابد. این سعادت است تا گنجینه‌ای نظیر از صحیفه سجادیه را بخوانیم و فیض ببریم. در این برنامه ضمن قرائت دعاها و مناجاتی از صحیفه سجادیه، چند ترجمه از ترجمه‌های آن نیز تقدیم شنوندگان می‌شود.

دانشته‌های صحیفه سجادیه از دیگر بخش‌هایی است که در آن درباره این که صحیفه به چه معناست، نام‌های صحیفه سجادیه کدام است و این کتاب مشتمل بر چه مضامینی است، سند صحیفه سجادیه به چه کسی منتهی می‌شود و این که آیا نسخه‌های اصلی صحیفه سجادیه بر جا مانده‌اند یا خیر؟ اطلاعاتی به مخاطبان داده می‌شود. در بخش نغمه‌های آسمانی، حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی سوره مبارکه انفال آیه ۷۱ را قرائت کرده و ضمن توضیح و تفسیر این آیه - که درباره برخورد با اسیرهای جنگی است - داستان‌های کوتاهی را نیز درباره این موضوع روایت می‌کند.

از دیگر موضوعاتی که در این روزها به آنها پرداخته شده است، می‌توان به موضوع کفر، بی‌بند و باری، صلح، خدعه و فریب و... اشاره کرد. تهیه و تدارک همه این بخش‌ها برای آماده‌سازی و حضور مخاطبان برنامه در نماز جماعت صبحگاهی است تا این فریضه الهی هر چه باشکوه‌تر برگزار شود. نغمه‌های دینی و الهی که در مناجات‌ها و ادعیه بروز پیدا می‌کنند، پخش اذان صبحگاهی، تواشیح، ابتهال، همخوانی قرآن کریم و دعای فرج، از دیگر بخش‌هایی است که روح و روان هر شنونده‌ای را نوازش می‌دهد.

هر روز صبح شنوندگان با صدای موذن‌های مشهور همراه می‌شوند. امروز که ما مهمان این برنامه هستیم، استاد محمد نصرابوزید، موذن اذان صبح است. پخش برپایی اقامه نماز و ذکر راز و نیاز و مناجات با معبود که موجب آرامش و آسایش خاطر می‌شود، هر شنونده‌ای را برای آغاز روزی خوش و پربار آماده می‌کند.

تسبیح باران در پایان با سلام به خورشید، ۶ صبح به پایان می‌رسد. همه و همه این تلاش‌ها و تدابیر از سوی مدیریت، دست‌اندرکاران و خادمان این شبکه برای آن است که رسالت و تکلیف‌مان را به بهترین شیوه به سرانجام برسانند و قرآن و آموزه‌های الهی آن را به جذاب‌ترین شکل مخاطبان خود ارائه کنند. هر چند کلام خداوند، عزیز است و آرامش‌بخش جان‌ها و بدون شک اثرگذار و هدایتگر انسان.

پیش‌بینی شده تا از کلام بزرگان که گزیده سخنان شخصیت‌های دینی و قرآنی با موضوعات مختلف و به‌روز است، بهره ببریم. در ادامه نیز قسمت‌هایی با عنوان شکرانه، نیایش و دلتوشته‌ها تقدیم مخاطبان می‌شود. از دیگر بخش‌های این برنامه رادیویی می‌توان به نغمه‌های آسمانی، سخنرانی و جرعه‌ای از چشمه‌سار حکمت مولا علی(ع) اشاره کرد.

او می‌گوید: بیشتر موسیقی‌های انتخاب شده برای این برنامه، به فضای آذنگاهی مرتبط است و حس و حال مطلوبی را در شنونده ایجاد می‌کند.

در بخش دیگری از برنامه که با عنوان جرعه‌ای از چشمه‌سار حکمت مولا علی(ع) روی آنتن می‌رود، حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی شرح خطبه‌ای از نهج‌البلاغه را با موضوع بخشش قرائت می‌کند و در ادامه به تفسیر و توضیح بخشش در زندگی می‌پردازد؛ این که بخشش نشانه کرامت نفس و مایه آرامش و سبب تربیت زبردستان و نیز عامل جلب رحمت‌های خداوند بزرگ است.

نامه‌های روشن عنوان بخش دیگری از این برنامه است که در آن، نامه‌های ارزشمند ملا عبدالصمد همدانی خطاب به جویندگان سعادت اخروی، روایت می‌شود.

سخنانی از مرحوم مهندس دربارۀ اهمیت نماز و اسرار نماز از دیگر بخش‌هایی است که شنونده‌ها با آن همراه می‌شوند. کاظم رجبعلی، کارشناس برنامه نیز قرائت دعاها و مناجات و شرح آنها را برعهده دارد. در این ساعت از برنامه مخاطبان دست‌های خود را به سوی درگاه الهی بلند می‌کنند تا راز و نیاز خود را به گوش معبود الهی برسانند.

تنظیم موج

برنامه تسبیح باران کاری از گروه معارف و تربیت شبکه رادیویی تهران است که در زمان آذنگاهی از ۴ تا ۶ صبح همدم خلوتگاه مومنان و مونس لحظه‌های ناب دعا و نیایش عاشقان الهی است. این برنامه هر روز قبل و بعد از اذان صبح با بخش‌های مذهبی و عرفانی، جرعه‌ای از چشمه‌سار حکمت مولا علی(ع) و نغمه‌های آسمانی از موج اف.ام ردیف ۹۴ مگاهرتز تقدیم شنوندگان می‌شود. گویندگی این برنامه را یک هفته یوسف رحیمی و هفته دوم رضا خضرائی برعهده دارند.

فصلی تازه از یک درام مذهبی



مترجم: کیکاووس زبیری / اورایتی

مجموعه درام تاریخی و مذهبی «بابل» هم صاحب فصل دوم می‌شود. تهیه‌کنندگان این مجموعه تلویزیونی اعلام کرده‌اند آن را به صورت مینی‌سریز تهیه خواهند کرد. به این ترتیب، فصل تازه بابل در چهار یا پنج قسمت تولید خواهد شد. فصل اول مجموعه در ده اپیزود روی آنتن رفت و با استقبال زیاد تماشاگران تلویزیونی در آمریکا روبه‌رو شد. شرکت مستقل فیلمسازی لایت وورکز مدیا با همکاری شبکه تلویزیونی تاریخ (هیستوری چانل) تولید مجموعه را به‌عهده داشتند. آنها که برای فصل اول حدود ده میلیون دلار هزینه کردند، رقمی حدود شش میلیون دلار صرف تولید فصل دوم خواهند کرد. نزدیکان به سازندگان بابل جدید می‌گویند به احتمال زیاد این فصل هم در ده اپیزود تهیه شود و تهیه‌کنندگان بحث مربوط به طولانی شدن زمان پخش آن را باز گذاشته‌اند. این منابع عقیده دارند اگر ضرورت قصه فصل دوم بابل ایجاد کند، سازندگان به جای چهار اپیزود، آن را در ده اپیزود تهیه خواهند کرد. فصل دوم مجموعه با نام «پس از بابل» جلوی دوربین خواهد رفت.

مسئولان شرکت لایت وورکز مدیا اطلاعات زیادی درباره فصل دوم مجموعه خود را در اختیار رسانه‌های گروهی قرار نداده‌اند. پیش‌بینی می‌شود آنها این مجموعه را در سکوت خبری جلوی دوربین ببرند و در رابطه با آن، اطلاع‌رسانی زیادی نکنند. تا به حال مشخص شده این درام تاریخی تلویزیونی، به صورت محصول مشترک آمریکا و انگلستان تهیه خواهد شد. ریچارد بدسر، فیلمنامه‌نویس اصلی فصل اول، کار نگارش بخش اصلی فیلمنامه فصل دوم را هم انجام می‌دهد. حدود هفت فیلمنامه‌نویس و تاریخ‌شناس او را در انجام این کار یاری می‌کنند. منبع اصلی فیلمنامه ریچارد بدسر متون مذهبی، کتاب‌های آسمانی و رساله‌های معتبر و تأییدشده‌ای است که در ارتباط با وقایع و مسائل مختلف مذهبی به چاپ رسیده و در اختیار نسل بشر است. بدسر فیلمنامه اپیزودهای فصل دوم مجموعه را تا چند ماه دیگر آماده خواهد کرد. وی در ارتباط با این موضوع که تعداد فیلمنامه‌هایی که می‌نویسد چند تا خواهد بود، سکوت کرده است. به همین دلیل، هنوز کسی نمی‌داند وی پنج فیلمنامه تحویل تهیه‌کنندگان مجموعه خواهد داد یا ده فیلمنامه.



کار می‌کنند. من از همکاری با فصل اول بابل خیلی راضی‌ام و امیدوارم با دومین فصل آن هم همکاری داشته باشم. در کل از این که فصل تازه‌ای از مجموعه تولید می‌شود، خوشحالم. حتی اگر به‌عنوان کارگردان با این فصل همکاری نکنم، باز هم خوشحالم. استقبال تماشاگران راه را برای تولید فصل تازه‌ای از آن هموار کرده است.

کار انتخاب بازیگران فصل دوم بابل از چند هفته دیگر آغاز می‌شود، اما هیچ‌یک از بازیگران فصل اول با قسمت دوم آن به‌عنوان بازیگر همکاری نخواهند داشت و بازیگران تازه‌ای، نقش شخصیت‌های مختلف اپیزودهای فصل دوم را بازی خواهند کرد. تعدادی از بازیگران تلویزیونی انگلیسی و اروپایی در نقش شخصیت‌های تاریخی و مذهبی فصل اول بازی کردند. بازیگران فصل دوم هم از میان بازیگران تلویزیونی قاره اروپا انتخاب خواهند شد. سازندگان مجموعه گفته‌اند تعدادی از بازیگران تازه‌وارد هم در نقش چند شخصیت محوری قصه بازی خواهند کرد. حضور کیت دیوید در فصل دوم بابل قطعی است. این بازیگر نیویورکی تبار سینما در فصل اول مجموعه به‌عنوان راوی با سازندگان آن همکاری کرد و صدایش را به متن قصه قرض داد. وی در فصل تازه هم روایت‌کننده اصلی ماجراها و حوادث مذهبی است که در دوران کهن اتفاق افتاده و اهمیت زیادی برای نسل بشر دارند. تهیه‌کنندگان بابل می‌گویند قدرت صدای وی (که متن را به شکلی بسیار جذاب و شنیدنی روایت می‌کرد) یکی از عوامل مهم موفقیت مجموعه بین عموم تماشاگران بوده است. در نظر خواهی‌هایی که پیرامون تولید فصل دوم «بابل» صورت گرفت، صدرصد پرسش‌شوندگان گفته بودند کیت دیوید باید راوی ماجراهای قصه باشد. این بازیگر مستقل و میانسال سینما، پیش از این با مجموعه‌های تلویزیونی زیادی به‌عنوان بازیگر همکاری داشته است، اما بابل اولین کار تلویزیونی او به‌عنوان روایت‌کننده قصه است.

تهیه‌کنندگان مجموعه می‌گویند برای فصل اول آن از مشاوره و همفکری حدود ۵۰ چهره و شخصیت مذهبی کمک گرفتند. برای فصل دوم هم تعداد زیادی از چهره‌ها و شخصیت‌های مذهبی (که کاملاً با متون مذهبی آشنایی دارند) به‌عنوان مشاور به یاری سازندگان آن می‌آیند. خط اصلی قصه فصل اول درباره خلق زمین از سوی خدا و شکل‌گیری زندگی آدم‌ها روی آن می‌پرداخت. این قصه، به شرح زندگی پیامبران تا دوران حضرت مسیح (ع) و مصلوب شدن وی پرداخت. براساس شنیده‌ها، فصل دوم به بررسی عمیق‌تر تکوین زمین تا مبعوث شدن حضرت مسیح به پیامبری می‌پردازد. نکته جالب این است که تهیه‌کنندگان بابل به‌دلیل استقبال زیاد تماشاگران از آن قصد دارند یک نسخه کوتاه شده (حدود سه ساعت) از مجموعه خود را به صورت یک فیلم مستقل سینمایی تدوین کنند و روی پرده سینماهای آمریکا و اروپا بفرستند.

سازندگان فصل دوم بابل هنوز کارگردانان اپیزودهای مختلف آن را انتخاب نکرده‌اند، اما به احتمال زیاد فیلمسازی که با فصل اول آن همکاری داشتند، دوباره دعوت به کار شوند. نام کریسین ریس بیشتر از هر نام دیگری شنیده می‌شود. وی کارگردان پنج اپیزود فصل اول بود و این مساله، حکایت از رضایت خاطر تهیه‌کنندگان مجموعه از کار او می‌کند. به همین علت تحلیلگران تلویزیونی بر این باورند که او پشت دوربین اپیزودهایی از فصل دوم هم خواهد رفت. خود ریس در این باره می‌گوید: «هنوز هیچ چیز قطعی نیست و تماسی با من گرفته نشده است. رسانه‌های گروهی چیزهایی نوشته‌اند و گمانه‌زنی‌هایی در این ارتباط کرده‌اند، ولی نوشته‌های آنان اصل نیست و باید دید تهیه‌کنندگان مجموعه چه

«مامور» تازه در تلویزیون



بیل پاکستن، بازیگر میانسال سینما هم به جمع بازیگران مجموعه تلویزیونی «ماموران شیلد» پیوست. این مجموعه تلویزیونی را شرکت فیلمسازی مارول براساس یکی از قصه‌های مصور و ابرقهرمانانه خود تولید می‌کند. خط اصلی قصه این اکشن ماجراجویانه، دنباله‌ای بر قصه ابرقهرمان‌های مجموعه فیلم «انتقام‌گیران» است، اما ابرقهرمان‌های این مجموعه فیلم، نقش و سهمی در قصه مجموعه تلویزیونی ندارند. بیل پاکستن در قصه ماموران شیلد در نقش

کاراکتری به نام جان گارت بازی خواهد کرد، اما هنوز اطلاعات تازه‌ای درباره نقش و شخصیت او در دست نیست. قصه مجموعه درباره یک تشکیلات مخفی و زیرزمینی دولتی است که وظیفه رهبری و هدایت ابرقهرمان‌ها را (در مبارزه‌شان علیه نیروهای پلید و منفی) به عهده دارد. شنیده می‌شود شخصیت جان گارت یکی از ماموران عالی‌رتبه و وظیفه‌شناس این تشکیلات مخفی است. قسمت اول مجموعه ماموران شیلد - که به صورت یک فیلم سینمایی تلویزیونی ساخته شده - دو ماه قبل روی آنتن

رفت و با استقبال بالای تماشاگران روبه‌رو شد. این نکته باعث شد شرکت مارول بلافاصله تولید فصل اول مجموعه را در دستور کار خود قرار دهد. فصل اول در ۱۳ اپیزود تهیه می‌شود و احتمال تولید فصل‌های بعدی آن بسیار زیاد است. ساموئل ال جکسن، بازیگر سیاهپوست سینما، نقش اصلی اپیزود اول مجموعه را بازی کرد. جاس ودون خالق اصلی قصه ماموران شیلد (و کارگردان دو قسمت اول و دوم فیلم سینمایی «انتقام‌گیران») کارگردانی اپیزود اول مجموعه را به



عهده داشت و قرار است چند اپیزود دیگر فصل اول را هم کارگردانی کند. او یکی از تهیه‌کنندگان اصلی مجموعه هم است. سازندگان ماموران شیلد می‌گویند آن را برای نمایش عمومی در سال جاری میلادی آماده می‌کنند. به همین دلیل منتقدان تلویزیونی می‌گویند به احتمال زیاد پخش آن از اوایل یا اواسط فصل بهار شروع خواهد شد.

قاب‌تویچک
 نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.